

پدیده و بلاگ

هفدهمین نشست «کتاب ماه کلیات»

بهبهانی: نشریه کتاب ماه کلیات با عنایت به نقش و اهمیت فناوری نوین ارتباطات و اطلاعات در توسعه فرهنگی، هم خود را مصروف تبیین مفاهیم و کارکرد ابزارهای نوین این فناوری در عرصه فرهنگ نموده است. در این میان «پدیده و بلاگ» علی‌رغم آنکه مباحثات جنجالی زیادی را به راه انداخته است، اما متأسفانه بخش ناچیزی از این مباحث به طرح مبانی نظری فرهنگی و اجتماعی این پدیده اختصاص یافته و به ندرت نظریات علمی و مستندی در این زمینه منتشر گردیده است. از این رو کتاب ماه کلیات ویژه‌نامه‌ای را به بررسی «پدیده و بلاگ» اختصاص داده و این نشست نیز بدین منظور تدارک دیده شده است.

معمد نژاد: اولین بخش از صحبت‌های من در مورد ارتباطات اینترنتی خواهد بود که این ارتباطات چیست و چگونه پدید آمده است. اکثر متخصصان کنونی ارتباطات کشورهای غربی به این نتیجه رسیدند که اینترنت یک رسانه فراگیر به حساب می‌آید و دارای خصوصیتی است که سایر رسانه‌ها دارا نیستند. این رسانه جدید در شرایط تاریخی خاص برای کاربردهای نظامی بعد از جنگ جهانی دوم پدید آمد. آنچه که امروزه به نام اینترنت معروف است، ابتدا جهت حفاظت از اطلاعات نظامی راجع به بمب‌های هسته‌ای طراحی گردیده بود که در هر شرایطی این اطلاعات محفوظ مانده و ترتیبی داده شود که اطلاعات در شبکه برای اشخاص مشخصی قابل دسترس باشد. اما بعد از مدتی به تدریج تحت تأثیر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز دو بلوک، جنگ سرد از میان رفت و به دنبال فروپاشی دیوار برلین و سقوط حکومت شوروی

شرکت‌کنندگان:

۱. کاظم معتمدنژاد، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی
۲. محمد سمیعی، سردبیر «کتاب ماه کلیات»
۳. سهیلا خلجی، دانشجوی دوره دکترای رشته علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی
۴. رضا هاشمی، کارشناس ارشد رایانه و عضو هیأت مدیره سرویس پرشین بلاگ
۵. دکتر بهزاد دوران، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس
۶. مدیا کاشی‌گر، نویسنده، مترجم، منتقد ادبی و دبیر جایزه ادبی یلدا
۷. رضا بهبهانی، مشاور فناوری اطلاعات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۸. علی مولایی، نشریه الکترونیک هفت سنگ
۹. شهاب مباشری، نشریه الکترونیک فروغ
۱۰. خلیقی، از سرویس پرشین بلاگ
۱۱. نیلی، از نشریه الکترونیک تکاپو
۱۲. شهسواری، کارشناس ارشد ارتباطات، نویسنده و منتقد ادبی
۱۳. محمود؟: نشریه دنیای کامپیوتر و ارتباطات



معمد نژاد: فکر می‌کنم که
و بلاگ را بتوان یک وسیله
یا یک ابزار گزارش و
اطلاع‌دهی به حساب آورد و
اگر وجه اجتماعی و
عمومی آن غالب باشد
می‌توان گفت وسیله گزارش
زندگی اجتماعی و یا به
عبارت دیگر تکیه‌گاه ارتباط
اجتماعی یا یک معیار جدید
ارتباط اجتماعی است.



دیگر نیاز به نگهداری اسناد با آن حساسیت‌ها وجود نداشت و به همین دلیل آمریکایی‌ها تصمیم گرفتند که این امکان جدید را در اختیار دانشگاه‌ها بگذارند. به این ترتیب اینترنت برای نخستین بار در چند دانشگاه مهم آمریکا مانند استنفورد و برکلی در کالیفرنیا و دیگر جاها مورد استفاده قرار گرفت از آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی اینترنت کاربرد عمومی پیدا کرد و در واقع Computer media communication مورد استفاده عموم قرار گرفت.

اصولاً با یک بررسی متوجه می‌شوید که امکانات جدید ارتباطی از زمانی که مطبوعات ایجاد شده تا به حال همیشه در اختیار دولت‌ها بوده است. مطبوعات در غرب در برابر سلطنتی انگلستان در ۱۶۲۱م. به وجود آمد و در فرانسه در سال ۱۶۳۱م. در برابر استبدادی فرانسویان ایجاد شد و در ایران ۲۰۰ سال بعد نخستین روزنامه در سال ۱۸۳۷م. در دوره محمدشاه قاجار باز دولتی بود. در مورد سایر امکانات ارتباطی مانند تلگراف، تلفن، رادیو و تلویزیون و... نیز همین وضع وجود دارد تا بالاخره با گذشت زمان شرایطی فراهم شد که مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی در اختیار عموم قرار گرفت. بنابراین با توجه به رویدادهای تاریخی این عجیب نیست که اینترنت تا مدتی فقط مورد استفاده دولت آمریکا بود و سپس در اختیار دانشگاه‌ها قرار گرفته و سرانجام در اختیار عموم قرار داده شد. به هر حال در نهایت اینترنت در اختیار همگان قرار می‌گیرد و به عنوان یک وسیله ارتباطی جدید در کنار مطبوعات، رادیو، تلویزیون و سینما و هم چنین به عنوان یک فناوری نوین ارتباطات در کنار تلگراف، تلفن، بی‌سیم، رادیو و ماهواره قرار می‌گیرد.

سمیعی: آقای دکتر معمد نژاد مقدمه بسیار جالبی راجع به اینترنت و مقدمات خوبی برای بحث و بلاگ فرمودند، ولی وارد خود بحث نشدند. طبق توضیحی که ایشان فرمودند اولین محور بحثمان این است که وبلاگ چیست؟

معمد نژاد: فکر می‌کنم که وبلاگ را بتوان یک وسیله یا یک ابزار گزارش و اطلاع‌دهی به حساب آورد و اگر وجه اجتماعی و عمومی آن غالب باشد می‌توان گفت وسیله گزارش زندگی اجتماعی و یا به عبارت دیگر تکیه‌گاه ارتباط اجتماعی یا یک معیار جدید ارتباط اجتماعی است.

شکراللهی: پیش از آنکه وارد بحث شویم باید به یک نکته توجه کنیم. همه رسانه‌ها حتی بوق اتومبیل

یا دودی که سرخ پوستان به راه می اندازند بستگی به یک تکنولوژی یا ابزار دارد و از این منظر بخش ابزاری یک وسیله ارتباطی در تعریف آن حائز اهمیت فراوان است. وقتی کاغذ به وجود می آید تأثیر خودش را بر محتوا می گذارد؛ وقتی امکان چاپ فراهم می آید باز تأثیر خودش را می گذارد. برای همین مسلماً تا زمانی که صنعت چاپ همه گیر نشده بود، گوتنبرگ نمی دانست کتاب چیست؟ هر ابزاری همان طور که جلو می رود در تعامل با محدودیت ها و امکانات، خودش را تعریف می کند. در مورد وبلاگ هم در نهایت بعید می دانم بتوان یک جایی توقف کرد و گفت وبلاگ همین است و جز این نیست. یعنی گمان من بر این است که وبلاگ دارای یک وجه رسانه ای و یک وجه ابزاری است و با حرکت در طول تاریخ همراه با امکانات و محدودیت هایش خودش را تعریف می کند و این تعریف با امکانات و محدودیت های آن مشخص می شود. اگر بخواهیم به این سمت برویم که وبلاگ چیست قبل از آن باید محدودیت ها و امکاناتی را که برای ما به وجود می آورد، پیدا کنیم. این مسیر خواه ناخواه ما را به سمت شناخت وبلاگ راهنمایی خواهد کرد.

بهبهانی: آقای ماتسورا، دبیرکل سازمان یونسکو در آخرین مجمع عمومی این سازمان تعریفی از فرهنگ ارائه داد با این مضمون که فرهنگ یعنی کتاب، اپرا، تئاتر و ... می دانیم که براساس تعریف یونسکو کتاب یعنی تعداد مشخصی برگه کاغذ که لااقل در تیراژ معینی چاپ و صحافی شده باشند. به این ترتیب می توان کتاب و سایر حامل های فرهنگی را به عنوان یک تولید صنعتی که محصول تکنولوژی خاصی هستند، تعریف کرد. در حالی که امروزه مرزهای میان تلویزیون، رادیو، ضبط صوت، دوربین عکاسی، تلفن و بسیاری چیزهای دیگر به کلی در هم ریخته است. آیا در دنیای سایبر هم می توانیم به تمام وسایل ارتباطی همین گونه نگاه کنیم؟ امروز یک دستگاه کوچک تلفن سیار هم تلفن، تلویزیون، دوربین عکاسی و هم ضبط صوت و خیلی چیزهای دیگر است. در نتیجه به نظر می رسد مجبور باشیم شیوه جدیدی برای تعریف این وسایل به کار گیریم. به عبارت دیگر اینکه در یک ابزار چه محتوایی مبادله می شود ممکن است هیچ ارتباطی به تعریف تکنولوژی یک ابزار نداشته باشد. از این زاویه ممکن است مجبور شویم برای وبلاگ براساس قالب فنی و قالب محتویات آن دو تعریف جداگانه مطرح نماییم.



بهبهانی:

اینکه در یک ابزار چه محتوایی مبادله می شود ممکن است هیچ ارتباطی به تعریف تکنولوژی یک ابزار نداشته باشد. از این زاویه ممکن است مجبور شویم برای وبلاگ براساس قالب فنی و قالب محتویات آن دو تعریف جداگانه مطرح نماییم.

خلیقی: از نظر فنی وبلاگ یک صفحه شخصی در وب است که در یک دوره زمانی خاص یک سری لینک یا یک نوشته با استفاده از نرم افزاری که می تواند خریداری شده یا از یک سرویس دهنده به صورت رایگان گرفته شده باشد، بر روی آن نمایش داده می شود. این صفحه شامل تعدادی پست یا یادداشت است که هر یادداشتی سرویسی دارد که دیگران می توانند درباره آن نظر دهند. هر نوشته و هر یادداشتی هم دارای یک آدرس مشخص است که به صورت دائمی باقی می ماند و اگر یک وبلاگ نویس دیگر از نوشته ای خوشش آمده باشد و یا نسبت به آن انتقادی داشته باشد می تواند در وبلاگ خود یک link به آن نوشته بدهد.

شهسواری: بنده شخصاً تاکنون با تعریف مشخص و دقیقی از وبلاگ برخورد نکرده ام. به نظر می رسد «وبلاگ» آن قدر پدیده پیچیده ای است که می بایست تعاریف موجود را برای درک آن تغییر داد. وبلاگ مجموعه ای از ترکیب عناصر متعددی است که با هم آمیخته شده اند و به نظر می رسد قضاوت در مورد آن که برآیند این عناصر به کدام سمت پیش می رود به زمان بیشتری نیاز دارد. از ابتدا این دعوا بوده است که وبلاگ چیست؟ افراد بسیاری ایراد می گیرند که حق ندارید این مطالب را در وبلاگ بنویسید، زیرا وبلاگ برای این کار نیست ولی بعد خودشان در وبلاگ های شان همان حرف ها را می زنند!

مباشری: درباره چستی وبلاگ این اتفاق نظر وجود دارد که ما صرفاً با یک ابزار فنی که می تواند کارکرد رسانه ای داشته باشد، مواجه هستیم. در واقع وبلاگ یک رسانه ارتباطی است نه یک ابزار فنی صرف که می تواند در اختیار هر کس قرار گیرد، ابزاری است برای انتشار. عناصر ساختمانی معین و مشخصی دارد که پست نامیده می شوند که در واقع فرق وبلاگ ها با سایر صفحات اینترنتی را مشخص می کنند. هر کدام از



هاشمی:

از آنجا که وبلاگ پدیده جدیدی است، می بایست بعد از آنکه وارد جامعه شد و تأثیرات اجتماعی و فرهنگی خود را گذاشت، با بررسی ابعاد تأثیرات آن، به مفاهیم مشخصی برسیم.

این پست‌ها امکانات و مشخصه‌هایی به عنوان المان دارند. هر پست می‌تواند عنوان، تاریخ، نویسنده، امکان کامنت‌گذاری و چیزهای دیگر داشته باشد. وقتی سیر تاریخی محتوای وبلاگ را نگاه کنیم، می‌توانیم بگوییم در ابتدا ابزاری برای اطلاع‌رسانی بوده است که از طریق گردآوری نشانه‌هایی که یک وب‌گرد براساس علائق خودش و خواسته‌هایش، گردآوری و دسته‌بندی کرده و در یک صفحه قرار داده است، تشکیل و با یک ترتیب زمانی معینی نگهداری می‌گردید و به مرور با توجه به اینکه ابزارهایی آفریده شد و کاربرد نویس را ساده کرد، کسان دیگر غیر از آدم‌های صرفاً فنی وب‌گرد، وارد این عرصه شدند و یادداشت‌نویسی هم به این مقوله اضافه شد، یعنی ما با پست‌هایی مواجه شدیم که فقط link با یک توضیح مختصر نبودند. در واقع یک سیر تغییر و تحول پیش آمد و با پست‌هایی روبه‌رو شدیم که بعضاً فقط نوشته هستند و هیچ نشانی از link در آنها نیست. در واقع در چند سال اخیر وبلاگ به لحاظ ساختار محتوایش به اتکای ابزارهای تکنولوژیک که ابداع شده است، دارای تغییر و تحولاتی بود، ولی در رابطه با ساختارش در اینکه از عناصر ساختمانی معین و مشخصی متشکل است، هیچ تردیدی نیست و تمایز آن با سایر صفحات اینترنتی کاملاً مشخص است و از لحاظ کارکردی هم ابزاری است که در اختیار هر صنفی می‌تواند قرار بگیرد و کاربرد مورد نظر آنها را پیدا کند و از این لحاظ شاید بتوان گفت هیچ فرقی با صفات وب دیگر نداشته باشد به لحاظ اینکه یک مجله الکترونیکی از طریق آن منتشر شود، یادداشت‌نویسی شخصی شود لینکدونی باشد یا چیزهای دیگر.

هاشمی: از آنجا که وبلاگ پدیده جدیدی است، می‌بایست بعد از آنکه وارد جامعه شد و تأثیرات اجتماعی و فرهنگی خود را گذاشت، با بررسی ابعاد تأثیرات آن، به مفاهیم مشخصی برسیم که براساس آنها بتوان گفت یک وبلاگ نویس دارای این تعاریف و یک سرویس دهنده وبلاگ این ویژگی‌ها را داراست و استفاده از وبلاگ در این چارچوب می‌گنجد.

ما به عنوان سرویس دهنده وبلاگ‌های فارسی از منظری به وبلاگ نگاه می‌کنیم که شاید بیشتر جنبه تجاری داشته باشد. از دید بنده به عنوان یک سرویس دهنده، وبلاگ با یک صفحه شخصی هیچ فرقی ندارد، من سرویس را در اختیار اشخاص می‌گذارم تا از آن استفاده کنند یادداشت‌های روزانه‌شان را بنویسند، از آن استفاده تجاری کنند و کالا یا سرویسی را معرفی کنند یا هر کار دیگری که می‌خواهند انجام دهند. از این منظر وبلاگ می‌تواند فقط جنبه انتشار اطلاعات فردی و یا اطلاع‌رسانی گروهی یا هر استفاده دیگری که صاحب وبلاگ برای آن در نظر می‌گیرد داشته باشد. به عبارت دیگر ما از دید یک سرویس دهنده که قصد دارد استفاده تجاری از سرویس خود داشته باشد به این قضیه نگاه می‌کنیم و تعریفی که از وبلاگ داریم همان صفحه وبی است که یک نفر از سرویس دهنده ما می‌گیرد و از آن استفاده می‌کند. این تعریف در این سطح می‌تواند مؤثر باشد که بتوانیم استفاده‌کنندگان از سرویس‌های وبلاگ را طبقه‌بندی کنیم و بدانیم کدامیک از آنها در واقع از دید یک وبلاگ‌نویس به این پدیده نگاه می‌کنند و کدامیک برای استفاده‌های دیگر مثل پیک شخصی یا اطلاع‌رسانی یا وبسایت رسمی مجانی استفاده می‌کنند. بنابراین با توجه به کاربرد رسانه‌ای اینترنت می‌توان همه جور استفاده رسانه‌ای از این ابزار کرد و اینکه این استفاده رسانه‌ای را وبلاگ نامگذاری کنیم و یا چیز دیگر بستگی به تعریف آن دارد.

سمیعی: جناب آقای خلیقی آیا شما خودتان هم تحلیلی بر روی این قضیه داشتید تا بدانید معمولاً کاربران در مورد چه موضوعاتی و برای چه وبلاگ دایر می‌کنند؟

خلیقی: برای آنکه از نظر آماری وبلاگ‌های موجود در سرویس پرشین بلاگ را بررسی کنیم به خود وبلاگر گفته‌ایم که خودتان بگویید که در چه گروه موضوعی می‌گنجید؟ اولین گروهی را که انتخاب کردند عمومی بوده است یعنی از هر دری سخنی. بعد گفتند که ما می‌خواهیم درباره زندگی و بعد درباره مسائل شخصی صحبت کنیم. انتخاب‌های بعدی در مورد Communication است که در واقع بیشتر افرادی که

وبلاگ دارند یا در این زمینه کار می‌کنند نسبت به این فضا آشنایی دارند و از این ابزار استفاده می‌کنند. آموزش بحث دیگری است که افراد زیادی دوست دارند، از این طریق آموزش دهند.

مولایی: در مورد تعریف وبلاگ خیلی چیزها نوشته شده و خیلی چیزها هم خوانده‌ام، اما من هنوز تعریف مشخصی از وبلاگ ندارم. البته مطمئناً می‌توانم بگویم که وبلاگ یک نشریه الکترونیکی نیست، ولی می‌توانم گفت که یادداشت‌های شخصی است. یادداشت‌های شخصی نه آنکه لزوماً بر فضای خاطرات شخصی دلالت کند، اگر چه می‌توان به وبلاگ‌ها رنگ و بوی شخصی هم داد، اما بیشتر جنبه اطلاع‌رسانی دارند و اگر این تعریف را بپذیریم می‌توانیم بگوییم که وبلاگ نوعی دفتر یادداشت‌های شخصی است.

نیلی: با توجه به این که سؤال که وبلاگ نشریه الکترونیکی است یا دفتر یادداشت‌های شخصی، اگر به این نتیجه برسیم که یکی از این دو نیست قاعدتاً دیگری خواهد بود. شاید با اطمینان بتوان گفت که وبلاگ نشریه الکترونیک نیست چون ما به عنوان دست‌اندرکاران نشریه الکترونیک یک قواعدی داریم. در حالی که تحریریه متمرکز نداریم، در سراسر ایران نویسنده داریم. البته با اصولی مطالب را گزینش می‌کنیم. اینکه آیا وبلاگ دفترچه یادداشت‌های شخصی است؟ اگر به این نتیجه برسیم، این سؤال پیش می‌آید که چه لزومی دارد که یادداشت‌های یک شخص را در یک رسانه فراگیر به نام اینترنت ببینیم و از آن استفاده کنیم. من به جای بحث بیشتر مایلیم به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که اگر وبلاگ نشریه الکترونیک نیست و دفترچه یادداشت‌های شخصی است، چرا دفترچه یادداشت‌های شخصی باید در اختیار همگان قرار گیرد و آن فرد چه چیزی را دنبال می‌کند و مخاطبان چه هدفی را در این دفترچه دنبال می‌کنند؟

نیلی:
شاید با اطمینان بتوان گفت
که وبلاگ نشریه
الکترونیک نیست چون ما
به عنوان دست‌اندرکاران
نشریه الکترونیک یک
قواعدی داریم. در حالی که
تحریریه متمرکز نداریم،
در سراسر ایران نویسنده
داریم و البته
با اصولی مطالب را گزینش
می‌کنیم.

خلجی: آن مواردی را که من به عنوان یک کارکرد وبلاگ برمی‌شمارم کارکرد اطلاع‌رسانی خبری و خبررسانی و نیز کارکرد دست نوشته برای وبلاگ است. البته به طور اخص نمی‌توان کارکرد نشریه الکترونیک را برای آن قائل شد، زیرا به نظر من نشریه الکترونیکی یک ماهیت است با تعدادی ویژگی‌های خاص که شاید وبلاگ‌ها یک بخشی از کارشان، آن هم بنابر سلیقه شخصی آن کسی که آن وبلاگ را اداره می‌کند، وارد آن شود. یک نشریه الکترونیک تمام سلسله مراتبی را که برای یک تحریریه قائل هستیم دارا می‌باشد. حال ممکن است ضمایم آن کمتر و یا ابزار آن اندکی متفاوت باشد، ولی به هر حال نشریه یک نشریه است. یعنی تحریریه خود و سیاست‌گذاری خود را داراست.

اگر فرض کنیم یک وبلاگ خبری باشد، همان طور که دوستان حاضر می‌دانند، سردبیر و نویسنده همان یک نفر است و دروازه‌بان خبر هم همان شخص است. در صورتی که در نشریه الکترونیک الزاماً ممکن است این اشخاص را نداشته باشیم یا چند نفر باشند. بنابراین به همان ابتدای صحبت‌های ما می‌گردم. اگر ما بتوانیم کارکردهایی را که از وبلاگ می‌شناسیم و از آن کارکردها انتظار داریم، تدوین کنیم بعد از آن می‌توانیم با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری جمعی بفهمیم وبلاگ چیست. طبیعی است با انواع و اقسام زمینه‌هایی که بتوان متصور شد و در آن حوزه‌ها قلم زد به همان اندازه می‌توان وبلاگ داشت. فکر می‌کنم بهتر است اول بدانیم جایگاه اصلی وبلاگ در چه حد و مقداری است و پس از آن بررسی کنیم که آیا آن را به عنوان یک نشریه الکترونیک می‌توان پذیرفت یا نه. اگر جواب منفی است، بررسی کنیم که عنوان دفترچه یادداشت‌های شخصی برای آن قابل قبول است یا خیر. من ترجیح می‌دهم بحث را به جمع واگذار نمایم تا بتوانیم نتیجه‌گیری کنیم.

مباشری: موضوعی که می‌خواهم به آن اشاره کنم بحث نشریه خواندن وبلاگ است و اینکه آیا باید بین وبلاگ‌ها و سایر صفحات وب تمایز قائل شویم یا همه آنها را نوعی نشریه الکترونیک بدانیم. آقای بهیانی بیشتر بر روی بحث محتوا و کارکرد معنایی وبلاگ تأکید داشتند، اما حقیقت این است که ما نباید فراموش

مباشری:

فارغ از کارکردهای معنایی،
تعاریف معین و مشخصی نیز
وجود دارد، یعنی همان طور که
بین وبلاگ با یک صفحه وب
تمایز وجود دارد بین مفهوم
وبلاگ با نشریه الکترونیکی
نیز این تمایز مشخص است.
اگرچه هر دو صفحه وب
هستند، اما عناصر ساختمانی
آنها با یکدیگر فرق می‌کند.
همچنین صفحات مختلف
دیگری نیز در وب وجود دارد،
ما می‌توانیم حداقل چت کردن
را داخل صفحه وب داشته
باشیم، ولی این صفحه وب با
سایر صفحات فرق می‌کند.



کنیم که با مقوله‌ای تکنولوژیک روبه‌رو هستیم که مناسبات خاص خود را هم به همراه می‌آورد و در این حوزه فارغ از کارکردهای معنایی، تعاریف معین و مشخصی نیز وجود دارد، یعنی همان طور که بین وبلاگ با یک صفحه وب تمایز وجود دارد بین مفهوم وبلاگ با نشریه الکترونیکی نیز این تمایز مشخص است. اگرچه هر دو صفحه وبی هستند، اما عناصر ساختمانی آنها با یکدیگر فرق می‌کند. هم چنین صفحات مختلف دیگری نیز در وب وجود دارد، ما می‌توانیم حداقل چت کردن را داخل صفحه وب داشته باشیم، ولی این صفحه وب با سایر صفحات فرق می‌کند و انواع متفاوتی دارد، همه آنها به نوعی رسانه ارتباطی الکترونیک و مدرن و در عین حال کاملاً از هم متمایز هستند. این تمایز پیش از هر چیز به مناسبات تکنولوژیکی بر می‌گردد که موجب تغییر معنای هر یک از این کارکردها گردیده است، یعنی مفهوم نشریه قبل و بعد از الکترونیکی شدن کاغذ با هم متفاوت است. در حالی که به نظر می‌رسد بسیاری از کارها مشابه است، ولی تفاوت‌هایی در آنها وجود دارد که مانند تفاوت سکه و اسکناس است. کارکرد هر دو شکل پول، انجام امور مالی است، ولی با یکدیگر متفاوت است، به این دلیل که جنس و نوع تهیه آنها و ساختارشان فرق می‌کند. اینجا هم به همین ترتیب است، یعنی کارکرد نشریات الکترونیک یا غیر الکترونیک اطلاع رسانی است، ولی این تفاوت ماهیت ساختاری آنها را نباید نادیده گرفت که مناسبات و ملازمات خود را به همراه می‌آورد.

هاشمی: نظر من این است که وقتی صحبت از نشریه الکترونیکی می‌شود واژه الکترونیکی جایگزین کاغذ شد. اول نشریه کاغذی بوده و امروزه نسخه الکترونیکی شده است. نشریه کاغذی دارای چارچوب مشخص است، حداقل در کشور ما مشخص است که مجوز می‌خواهد. کسی که آن نشریه را می‌نویسد باید به چه چیزهایی پای بند باشد و موضوعاتی که برای این نشریه مشخص می‌کنند، باید مطالب درباره آن موضوعات باشد و کلاً چارچوب مشخصی داشته باشد. قاعدتاً وقتی صحبت از نشریه الکترونیکی می‌شود انتظار ما این است که این نشریه الکترونیکی تکلیف خودش را مشخص کند، هفته‌نامه است؟ ماه‌نامه است؟ کی می‌خواهد update شود؟ وقتی update شد این نسخه بسته می‌شود و می‌رود و دیگر نمی‌توان اصلاح و دست‌کاری کرد. اگر هم انتقادی نسبت به آن مطرح شد، می‌تواند در نسخه بعدی جوابگو باشد. در کل ماهیت نشریه کاغذی بسیار مهم است و با آن چیزی که در وبلاگ‌ها می‌خوانیم کاملاً متفاوت است. آن جنبه از وبلاگ‌ها که بسیار اهمیت دارد، پویایی وبلاگ‌هاست و در واقع نشر داده شدن به هر شکل، یعنی

در هر زمانی و هر موقعیتی هر کسی با هر جایگاهی می تواند خبری، اطلاعی، ارجاعی هر چیزی را نشر دهد و این نشر می تواند در ساختارهای مختلف باشد. یعنی فقط جنبه ارتباطی فرد به فرد یا گروهی مطرح شود. در واقع نکته ای که سبب می شود به وبلاگ سر بزیم این است که در محیط اینترنت این ارتباط فرد به فرد و یا ارتباط گروهی می تواند تغییر ماهیت بدهد. به نظر من اینکه ما تعریف نشریه کاغذی و الکترونیکی را در نظر بگیریم و بعد بر اساس آن وبلاگ را تعریف کنیم، یا اینکه تعریف های جاری را بخواهیم به نحوی با ساختار وبلاگ وقف دهیم، کار بیهوده ای است، چون این یک چیز کاملاً جدید است. اصلاً می توانیم به آن بگوییم «پدیده» و همه چیز آن باید جدید تعریف شود.

بهبهانی: یکی از مشکلات ما در مواجهه با مفاهیم فن آوری نوین اطلاعات سهل و ممتنع بودن مفاهیم است. به نظر می رسد که همه چیز مشخص است، اما زمانی که می خواهیم آن را خط کشی و تعریف کنیم، می بینیم هیچ چیز مشخص نیست. زمانی تصور می شد فن آوری اطلاعات همان اتفاقی که روی کاغذ می افتاد را به چیزی که حالا بر روی مانیتور نمایش داده می شود، تبدیل می کند. اگر یک نامه اداری قبلاً با فرم و شکل خاصی نوشته می شد و دارای تاریخ، شماره و سربرگ و متن بود، حالا همین اتفاق باید بیفتد و فقط به جای اینکه بر روی کاغذ نوشته شود روی صفحه وُرد در مانیتور نوشته و آنجا نمایش داده شود. در حالی که این تصور امروز اساساً تغییر کرده است. در مورد رسانه ها نیز اگر ما نشریه الکترونیک را همان چیزی بدانیم که امروزه در دهه های روزنامه فروشی وجود دارد و فقط به جای آنکه بر روی کاغذ چاپ شود، آن را بر روی صفحه مانیتور نمایش دهند و به جای اینکه از طریق توزیع کننده پخش شود، دسترسی به آن از طریق اینترنت میسر باشد، فکر می کنم مسیر درستی را نرفته باشیم. کاغذ و چاپ فی الواقع تفکر، مفاهیم، زندگی و نوع تعامل بشر را تغییر داد. نگاه کنید چه قدر کاغذ در زندگی ما مؤثر است از این دید پول به عنوان منشأ تعاملات اقتصادی اسنادی که به عنوان مالکیت یا روابط بین افراد تعریف می شود و کتاب که مخزن دانش و اندیشه بشر است. هنگامی که ابزار تغییر می کند همراه تغییر خود، مفاهیم را هم تغییر می دهد. بنابراین یک نشریه الکترونیک یک نشریه کاغذی با همان تعاریف و تعبیری که ما به آن نگاه می کردیم نیست. به طور قطع خصلت های خاص فن آوری نوین اطلاعات مثل تکثر و عدم محدودیت در آن مؤثر است. یادداشت های شخصی ممکن است در رایانه شخصی هر کس ذخیره شود، اما وقتی منتشر شد مانند یک ستون از یک نشریه است.



سمیعی:

علاوه بر کار کردها، مفاهیم نیز در دنیای دیجیتال تغییر می کند و مفهوم دفتر چه یادداشت شخصی و نشریه در دنیای دیجیتال با آنچه امروز به این عنوان شناخته می شود تفاوت دارد.

سمیعی: در دنیای دیجیتال دیگر نه دفتر یادداشت شخصی همان دفتر یادداشت شخصی کاغذی است که ما در جیبمان می گذاریم و نه نشریه الکترونیک همان مفهوم ثابتی را دارد که امروز در ذهن ما است. به عبارت دیگر علاوه بر کار کردها، مفاهیم نیز در دنیای دیجیتال تغییر می کند و مفهوم دفترچه یادداشت شخصی و نشریه در دنیای دیجیتال با آنچه امروز به این عنوان شناخته می شود تفاوت دارد.

بهبهانی: به هر حال وبلاگ و وبلاگ نویسی تا به امروز تأثیرات جدی در کشور ما داشته است، اما سؤال این است که وبلاگ چه تأثیری گذاشته است؟ این سروصدایی که به پا شده در نتیجه چیست؟ چه اتفاقی افتاده است. اگر این طور که شما می فرمایید وبلاگ تنها یک دفتر یادداشت شخصی است این همه سر و صدا برای چه به پا شده است؟ چرا این قدر روی آن بحث می شود؟ یک دفتر یادداشت شخصی که این همه سر و صدا ندارد. چه نکته ای در آن نهفته است؟ چه اثری داشته که این سر و صدا را به پا کرده است؟

نیلی: به نظر من شرایط اجتماعی امروز ایران باعث شده است که این رسانه این قدر مورد توجه قرار بگیرد. در زمینه نشریات چاپی محدودیت های زیادی وجود دارد. بخش عمده ای از روزنامه نگاران کشور ترجیح می دهند که در محیطی فعالیت کنند که محدودیت ها کمتر است و مواردی را می توانند طرح کنند که فردا صبح به جایی پاسخگو نباشند و البته یک تبی هم بوده که گرفته و شما هم می بینید که از آن اقبال اولیه

نسبت به وبلاگ‌نویسی بسیار کاسته شده است و موضوعات، کمی تخصصی‌تر شده است و کسانی که می‌نویسند موجه‌تر می‌شوند. آن‌طور که من خودم شخصاً بررسی کرده‌ام می‌بینم نوشته‌هایم پالوده‌تر می‌شوند و دیگر خیلی از هر دری سخنی و این که هر چیزی قابلیت انتشار داشته باشد، نیست.

شهسواری: بخشی از گسترش پدیده وبلاگ نتیجه خلأیی است که شهرنشینی مدرن در روابط اجتماعی ایجاد کرده است. آدم‌هایی مثل من یا درس‌من شاید تا همین ۷-۸ سال پیش هم فرصت و فراغ بال بیشتری برای جلسات دوستانه و رفت و آمد با اقوام داشتند، ولی زندگی شهرنشینی، روز به روز دست ما را بسته‌تر کرده است. از طرفی دیگر تکنولوژی چیز تازه‌ای به ما هدیه می‌دهد. ما جلوی رایانه می‌نشینیم و با استفاده از این ابزار تکنولوژیک می‌توانیم ارتباطات تازه‌ای برقرار کنیم. بای بسم الله از آن ایمیل شروع می‌شود. من این را کاملاً به یاد دارم که مجموعه دوستانی داشتم که مرتب مطالب جالبی را در اینترنت پیدا می‌کردند و به ضمیمه یکی دو خط نظر خودشان، آن را برای تمام دوستان می‌فرستادند و به این کار عادت کرده بودند. بعد رسیدیم به چت روم. این اتفاق در چت روم هم تکرار شد، بعد از مدتی متوجه شدم که می‌توانم با به راه‌انداختن وبلاگ، مستقل عمل کنم و وارد چت روم نشوم. امروز وبلاگ می‌تواند این خلا روابط اجتماعی را تا حد زیادی به صورت مجازی جبران کند. البته این مطلب را هم اضافه‌کنم که یکی از مهم‌ترین دلایل گسترش روزافزون وبلاگ در ایران خصوصاً در میان نسل جوان، فشارهای خاص فضای فرهنگی کشور است. در فضای ایران ابراز وجود به سبک کشورهای پیشرفته به سادگی برای جوانان امکان‌پذیر نیست. وبلاگ یک عرصه مجازی است که به راحتی می‌تواند این خلا را هم را جبران کند.

شهسواری:
بخشی از گسترش پدیده
وبلاگ نتیجه خلأیی است
که شهرنشینی مدرن در
روابط اجتماعی ایجاد
کرده است.

کاشی‌گر: از زوایای بسیاری می‌توان به پدیده وبلاگ نگریست. از یک زاویه وبلاگ به نوعی در مقابل چت روم قرار دارد. اگرچه در هر دو این ابزارها، هویت افراد می‌تواند. هم جعلی و هم واقعی باشد، اما به نظر می‌رسد دو شخصیت متضاد بر این دو ابزار حاکم است. موضوع گفت‌وگو در چت روم مورد اتفاق تمام کسانی است که در آن شرکت می‌کنند. در حالی که موضوع وبلاگ، از طرف وبلاگ‌نویس انتخاب می‌شود. به نظر می‌رسد اگر از منظر جامعه‌شناسی به قضیه بنگریم بین وبلاگ‌نویسی و شرکت در چت روم تفاوت بنیادی وجود دارد. یعنی یک جا روحیه دنباله‌روی و خود را متعلق به یک جمع دانستن مطرح است و جای دیگر بر فردیت و شخصیت فردی تاکید می‌شود.

خلیقی: ما با یک ضریب نفوذ اینترنت پایین در ایران مواجه هستیم و با یک سطح آموزشی پایین‌تر درباره تکنولوژی‌های جدیدتر که اینترنت هم جزو آن محسوب می‌شود. اما با به وجود آمدن سرویس‌های مجانی اینترنت مانند سرویس فارسی پرشین بلاگ به بسیاری این اجازه داده شد که به راحتی در وب حضور داشته باشند. هر کس یک صفحه اینترنتی که عموم می‌توانند ببینند، یک صفحه پابلیک اینترنتی برای خودش تعریف کرد که خروجی آن وبلاگ‌هایی هست که اکنون به زبان فارسی دیده می‌شود. قبل از اینکه سرویس پرشین بلاگ به عنوان یک سرویس فارسی به وجود بیاید، وبلاگ‌نویس‌های ایران هم که در اینترنت بودند و از وبلاگ‌ها استفاده می‌کردند. اشخاصی که به این سرویس دسترسی داشتند اشخاصی بودند که در محیطی زندگی می‌کردند که سطح معلومات و تکنولوژی آنها بالا بود و بیشتر خارج از کشور زندگی می‌کردند. جوی که در خارج کشور وجود داشت، افراد را به این گونه استفاده کردن از وبلاگ سوق می‌داد، ولی وقتی یک سرویس کاملاً فارسی آمد، اشخاصی با سطح پایینی از معلومات اینترنتی در اینترنت حضور یافتند. نوع و دید استفاده از وبلاگ‌ها و صفحات شخصی تغییر یافت و وبلاگ‌های مختلف با Concept جدید به وجود آمدند.

هاشمی: در واقع ما با یک سیکل چرخشی مواجه هستیم که محتوای خوب، بازدیدکننده دارد و افزایش بازدیدکننده باعث می‌شود که وبلاگ‌نویس مسئولیت بیشتری را احساس کند و محتوای بهتر و مرتبط‌تری

داشته باشد و این چرخه ادامه یابد. ویژگی دوم آن این است که از محتوا شروع نمی‌شود، بلکه از بازدیدکننده شروع می‌شود. با یک لینک گرفتن از CNN و روبرو محتوای من هر چه هست بازدیدکننده پیدا می‌کند. به هر حال این بازدیدکننده‌ها یک ضرایب تبدیلی دارد، فرض کنیم یک قسمتی از این بازدیدکنندگان به خاطر اینکه cnn مثلاً ۵۰/۰۰۰ تا بازدیدکننده دارد خبر مرا می‌بینند؛ از این ۵/۰۰۰ تا فقط یک شناختی پیدا می‌کنند و به این وبلاگ و یا وب سایت دوباره برمی‌گردند و در واقع آن وبلاگ ماهیتش عوض می‌شود و از این به بعد محتوایی که link تولید می‌کرده است و قبلاً ۱۰ - ۲۰ نفر می‌خواندند در حال حاضر ۵۰۰۰ نفر می‌خوانند و این ۵۰۰۰ نفر آدم‌هایی هستند که این تیپ خبر را می‌پسندند.

بهبهانی: بدون شک نوع روابط اجتماعی در فضای سایبر به خصوص در مورد وبلاگ‌ها که روابط اجتماعی در آن گسترده‌تر است در رفتارهای اجتماعی نسل امروز تأثیرگذار خواهد بود. وبلاگ‌نویس‌ها به هم لینک می‌دهند و با هم در ارتباط‌اند و غالباً دوستان و بلاگی زیادی دارند. روابط اجتماعی فیزیکی در حال تبدیل شدن به روابط در فضای دیجیتال است. جوانان به جای اینکه همدیگر را ببینند و با هم معاشرت کنند، از طریق رایانه و اینترنت با هم ارتباط برقرار می‌کنند. به نظر شما این تغییر و تحول چه تأثیری بر روحیه این نسل خواهد گذاشت؟ آیا این نسل در آینده برای برقراری ارتباط در خارج از فضای سایبر دچار مشکل نخواهند شد؟ آیا حد و مرزی برای این نوع روابط نباید قایل شد تا این روابط از طریق فضای دیجیتال جای روابط اجتماعی را نگیرد؟

بهبهانی:

بدون شک نوع روابط اجتماعی در فضای سایبر به خصوص در مورد وبلاگ‌ها که روابط اجتماعی در آن گسترده‌تر است در رفتارهای اجتماعی نسل امروز تأثیرگذار خواهد بود.

معمد نژاد: ارتباطات میان فردی مثل ارتباطات تلفنی و ارتباطات مکاتبه‌ای و آنچه قبلاً از طریق نامه‌ها صورت می‌گرفت، امروز از طریق ایمیل و یا چت کردن صورت می‌گیرد. بولتن‌های خبری که گروه‌های مختلف در اختیار همدیگر قرار می‌دهند معرف جنبه گروهی اینترنت هستند. سپس ارتباطات عمومی پیش می‌آید مثل مطبوعات، رادیو و تلویزیون که خبرگزاری‌ها از طریق اینترنت می‌توانند این اطلاعات را برای مردم و برای کل اجتماع تهیه کنند و در اختیار آنها قرار دهند. این بحث، بحث مفصلی است و دارای زیرمجموعه‌هایی است که می‌توان به آنها پرداخت.

شهسواری: انسان‌ها دارای برخی از ویژگی‌های ذاتی هستند. نیاز به ارتباط یکی از ویژگی‌های ذاتی انسان است. منتهی در هر برهه‌ای از تاریخ و در شرایط مختلف، شکل ارضای این نیاز عوض می‌شود. منتهی از آنجا که که غالباً تغییر شرایط تاریخی به کندی صورت گرفته است و دوره هر یک از این اشکال ارتباطی طولانی بوده است و در زمان خود تثبیت شده‌اند، ما فکر می‌کنیم که فقط همان شکل ارتباطی پاسخگوی نیاز ذاتی انسان است. چطور عرض کنیم؟ برای انسانی که در دوره خاص تاریخی زندگی می‌کرده، تصور اینکه چیزی به نام قبیله وجود نداشته باشد، غیر ممکن بوده است. در آن موقع نیازهای اساسی انسان مانند همین نیاز به ارتباط و نیازهای دیگر مثل امنیت روانی و جانی که جزء نیازهای اولیه انسان است باعث شده که شکل قبیله به وجود بیاید. بعد از آن شکل و شهر و بعد شکل وطن و کشور به وجود آمده است و به تدریج ممکن است یک شکل جهانی به وجود آید. می‌خواهم بگویم که ما نباید این فرم و شکل را با آن نیازهای اساسی اشتباه بگیریم. این اشکال، فرع آن نیازها هستند و خود آنها نیستند. بنابراین اصلاً نباید نگران باشیم که ارتباطات شکل عوض می‌کنند.

شکراللهی: تجربه من نشان می‌دهد که وبلاگ و حتی چت روم‌ها همگی به سان یک محیط کشش دار برای دوستی‌هاست. مانند دوستی هم‌کلاسی‌ها که به دلیل اینکه در یک کلاس هستند کم‌کم کشش پیدا می‌کنند که با بچه‌های کلاس رفیق شوند و این رفاقت خارج از کلاس هم ادامه پیدا می‌کند. امروزه این اتفاق در وب می‌افتد و شاهد ارتباطات دوستانه بسیار زیاد و متنوع ناشی از پدیده وبلاگ نویسی هستیم؛ تعاملات کاملاً واقعی که برآمده از ارتباطی است که در یک وبلاگ شکل گرفته است. خود من دوستانی دارم که قبلاً

شهسواری:

نیاز به ارتباط یکی از ویژگی‌های ذاتی انسان است منتهی در شرایط مختلف، شکل ارضای این نیاز عوض می‌شود. ما نباید این فرم و شکل را با آن نیازهای اساسی اشتباه بگیریم. این اشکال، فرع آن نیازها هستند و خود آنها نیستند. بنابراین اصلاً نباید نگران باشیم که ارتباطات شکل عوض می‌کنند.



اصلاً نمی‌شناختم و حالا به لطف و بلاگ دوستان بسیار صمیمی هستیم.

شهسواری: پیش از این بیشتر ارتباطات ما با اطرافیانمان بوده است. یعنی اول خانواده و بعد محله و بعد جوامع بزرگ‌تر. این نوع ارتباطات با خانواده و محله و حتی با رفقای هم سن و سال ما، به دلیل نوع ساختار این گروه‌ها، از جهتی قدرت انتخاب در ارتباطات را از ما می‌گیرد. درست است که این حسن را دارد که با آدم‌ها چهره به چهره آشنا می‌شویم و با قرار گرفتن کنار آنها می‌توانیم قدری از نیازهای عاطفی خود را برطرف نماییم، اما قدرت انتخاب‌ها کم می‌شود. در حالی که در فضای سایبرنتیک ما می‌توانیم بر اساس یک موضوع خاص، دوستانمان را انتخاب کنیم. درست است که یک دوست اینترنتی با بخش زیادی از زندگی‌مان در ارتباط نیست، اما بخش عمیقی از وجودمان با او در ارتباط است، به عنوان نمونه من یک دوست و بلاگی دارم که به شدت به «مارکز» علاقه‌مند است و من هم متقابلاً همین احساس را دارم. این دارای محاسنی است. نخست اینکه من در سطح محله یا شهرمان هرگز به راحتی نمی‌توانم یک چنین شخصی پیدا کنم که صرفاً به «مارکز» علاقه داشته باشد. از آنجاکه این بخشی از وجودم که برایم بسیار مهم است و روی آن بسیار سرمایه‌گذاری کرده‌ام را با یک آدم دیگر با خصوصیات اخلاقی خودم تقسیم می‌کنم. بخش عمیقی از وجودم با این فرد ارتباط می‌یابد و آن چیزی که ما نگران آن هستیم که در این دوره انسان‌ها تخلیه روانی نمی‌شوند، آنجا مرتفع می‌گردد. فکر نکنید که صرفاً آن انبساط خاطر در ارتباطات رو در رو اتفاق می‌افتد.

کاشی‌گر: نخستین برخورد هویتی ما با آره یا نه و احسنت و آفرینی است که پدر و مادرمان می‌گویند. بعد همین آره و نه را خانواده گسترده - پدر بزرگ و مادر بزرگ و عمه و عمو و... - به ما خواهد گفت؛ محله به ما خواهد گفت؛ شهر، کشور و قانون به ما خواهد گفت. در حالی که امروز ما به محض ورود به اینترنت اولین جواب مثبت و منفی آگاهانه خود را از کل جهان خواهیم گرفت و مجبور خواهیم شد ملاک‌ها، معیار و روش‌های خود را بر اساس ملاک‌هایی تنظیم کنیم که ملاک‌های خانوادگی نیستند. ملاک‌های محله‌ای و شهری نیستند، بلکه ملاک‌های جهانی‌اند. این پیامدهای بعدی خودش را خواهد داشت که به اعتقاد من یکی از پیامدهای آن این است که دیگر کسی نخواهد توانست برتری نژادی، قومی، ملی و نظایر آن را تبلیغ کند. یعنی هم ارزی را از فضای مجازی به فضای بیرونی منتقل خواهد کرد. حضور در وبلاگستان نه فقط فراگیری هم ارزی است، بلکه ضمناً آموزش مداوم شرایط بقا در وضعیت هم ارزی نیز هست که به نوبه خود بسیار مهم است. در وبلاگ‌ها شما هر شخصیتی که باشید، اگر کسی نخواهد حرف شما را بشنود ارتباط را قطع می‌کند. در یک جامعه غیرمجازی شما این امکان را ندارید. ۳۰ الی ۴۰ سال پیش بحث‌هایی درباره «حق شنیدن» درگرفته بود که نباید بر روی رادیوها پارازیت بفرستید ما حق داریم بشنویم. یک نفر گفت آقا حق شنیدن هم داریم؟ اگر من بخواهم چیزی را نشنوم چه کسی را باید ببینم؟ اینترنت تحقق توأمان هر دو اینهاست. حق شنیدن و نشنیدن حق دیدن و ندیدن و این به نظر من یک تغییر هویتی جدید است. دیگر

به سختی می‌توانید به آن انسانی که هم ارزشی را در اینترنت یاد گرفته بقبولانید که خارج از اینترنت دنیا این‌گونه نیست. حداقل این است که برای هم ارزی خواهد جنگید.

دوران: یکی از مهم‌ترین خصلت‌های وبلاگ Intaractive بودن است که همه به آن اذعان دارند. اگر در رسانه‌های قبلی شما می‌گفتید که مخاطبان منفعل و کت بسته مجبورند بشنوند، اما در وبلاگ این‌گونه نیست. امروزه رمان نویس‌هایی داریم که نوشته‌هایشان را online می‌نویسند و از مخاطبان feedback می‌گیرند و نوشته‌هایشان را تغییر می‌دهند. در گذشته چگونه خلق یک رمان online با feedback نظرات مخاطبین ممکن بوده است. پس ببینید ما خودمان را عرضه کردیم ولی با به رسمیت شناختن دیگری. دیگران را هم به رسمیت شناختیم و اجازه می‌دهیم آنها راجع به شخصی‌ترین مسائل ما حرف بزنند و نظراتشان را وارد کنند. چه با نظرات دیگران موافق باشیم یا نباشیم در هر حال آنها را به رسمیت می‌شناسیم. کامنتی که آن پایین باز می‌کنیم یعنی این که شما حق دارید نظراتتان را بگویید و حتی نظرات من را رد کنید و این باب بزرگی است برای اینکه هر کس در عین اینکه می‌تواند خودش باشد دیگران را نیز به رسمیت بشناسد.

سمیعی:

من معتقدم وبلاگ و سایر رسانه‌های الکترونیکی تحولات عمیقی بر مفهوم و کارکرد سنتی رسانه‌ها بر جای گذاشته‌اند.

کاشی‌گر: اینکه در وبلاگ‌ها همه چیز مکتوب می‌شود، بسیار مهم است. یک بار یک خبرنگار از نویسنده‌ای ایراد می‌گرفت که در ۴۰ سال پیش فلان چیز را نوشتی حالا عکسش را می‌گویی. بدبختی ما هم همین بود که نویسنده همه چیز را می‌نوشت. اما شما ممکن است ۴۰ سال پیش خیلی حرف‌ها زده باشید که یادتان نیست، اما چون سند از خودتان باقی نگذاشتید کسی نمیتواند به شما اعتراض کند. امروزه در وبلاگ‌ها همه دارندسند می‌زنند و کم‌کم این عادت فرا گرفته می‌شود که باید مستند بود و این مسئله بسیار مهمی است.

شهسواری: اینکه نوشته‌ها و حرف‌ها و عقاید و نظریات ثبت می‌شوند و سند می‌خورند تأثیر مشخصی بر جامعه و خصوصاً جامعه ما دارد. وقتی یک چیزی سند می‌خورد و مستند می‌شود شما می‌توانید به کمک همین استناد طرف را مورد انتقاد قرار دهید. وقتی این انتقادها و این کنش و واکنش که بین مدعی و کسی که ادعایی کرده ادامه پیدا می‌کند به مرور زمان حرف‌ها پخته‌تر و محکم‌تر می‌شود. اگر شروع کار یک وبلاگ نویس را که حرفی می‌زند و درد دلش را خالی می‌کند با نوع حرف زدن و نوع استدلالش در چهار ماه بعد مقایسه کنیم، می‌بینیم که تفاوت از زمین تا آسمان است. یک مرتبه زبانش عوض شده و از شیوه استدلالی استفاده می‌کند. در وبلاگ‌ها هر کس مجبور می‌شود از حرف خودش دفاع کند و بعد یاد می‌گیرد که اگر می‌خواهد حرف دیگری را رد کند حتماً باید دلیلی داشته باشد.

سمیعی: نباید زیاد در تعاریف بمانیم. در محورهای دیگر ما باید به این برسیم که نقش رسانه‌ای وبلاگ چیست و پدیده وبلاگ چه تأثیراتی بر رسانه‌های دیگر گذاشته است؟ من معتقدم وبلاگ و سایر رسانه‌های الکترونیکی تحولات عمیقی بر مفهوم و کارکرد سنتی رسانه‌ها بر جای گذاشته‌اند.

معمد نژاد: اگر بخواهیم ارتباط ناشی از این رسانه جدید را بشناسیم باید بررسی تطبیقی انجام دهیم تا بدانیم چه تفاوتی میان اینترنت با سایر رسانه‌هاست. شاید بتوان گفت اینترنت همه مشخصات رسانه‌های دیگر را در خود جمع کرده است. بنابراین در حالی که یک وسیله ارتباطی فردی است، یک وسیله ارتباطی گروهی نیز می‌باشد که بین افراد و گروه‌ها یا گروه‌ها با هم ارتباط برقرار می‌کند و مهم‌تر از همه آنکه یک وسیله ارتباطی جمعی نیز می‌باشد. به این ترتیب این رسانه جدید هر سه جنبه ارتباطات را که ارتباطات میان فردی، ارتباطات میان گروهی و ارتباطات جمعی یا ارتباطات اجتماعی یا ارتباطات عمومی است در بر می‌گیرد. این تجمع خصوصیات در یک رسانه اهمیت زیادی دارد و نشانگر مزایایی است که سایر رسانه‌ها از آن برخوردار نیستند. برخلاف امکانات ارتباطی دیگر که زیر نظر متخصصان کار می‌کردند، این وسیله

ارتباطی در اختیار همه افراد است و اینجاست که اهمیت روزنامه‌نگاری فردی پیش می‌آید. از قرن هفدهم که مطبوعات شروع به کار کردند و از قرن نوزدهم که مطبوعات در ایران پدید آمد تا مدت‌ها مطبوعات فقط در اختیار دولت‌ها بود و در این مرحله مطبوعات، مطبوعات استبدادی، رسمی و زبان حکومت‌ها بودند تا اینکه در زمان انقلاب‌های دموکراسی در غرب مطبوعات مردمی شدند و در خدمت انقلاب قرار گرفتند. در همین دوران است که مطبوعات، رکن چهارم دموکراسی به حساب آمدند. اما مرحله سوم تحول مطبوعات، مرحله تجاری شدن است که از قرن نوزدهم شروع می‌شود.

با این مقایسه می‌توانیم ببینیم که اینترنت دارای وضع خاصی است. اینترنت از همان اول بعد از اینکه در چرخه دانشگاه‌ها و در اختیار عموم قرار گرفت همه از آن استفاده کردند به همین جهت روزنامه‌نگاری که از طریق اینترنت صورت می‌گیرد با روزنامه‌نگاری سنتی سابق فرق دارد. روزنامه‌نگاری مطبوعاتی در ابتدا دولتی بود و بعد، انقلابی و پس از آن تجاری شد. روزنامه‌نگاری اینترنتی می‌تواند همه نوع و همه جور یعنی هم دولتی، هم خصوصی و هم عمومی باشد؛ هم گروه‌ها از آن استفاده کنند و هم افراد؛ هم می‌توانند حمایت‌کننده نظم موجود باشد و هم می‌تواند در برابر وضع موجود قرار بگیرد. بنابراین همکاران این وسیله جدید ارتباطی کل جامعه هستند. کل جامعه جهانی و به همین جهت این وسیله جدید ارتباط، بسیار پراهمیت می‌شود و باید درباره آن مطالعات بیشتری صورت گیرد. به هر صورت در این زمینه باید بررسی و مقایسه‌ای از این وسیله جدید ارتباطی و امکانات و اشخاص به عمل آورد تا نیازهای جامعه را شناسایی کرده و ساختارها را مورد نظر قرار دهیم. همکاران را معرفی کنیم و ببینیم چه تصوراتی از طریق اینترنت و سایر امکانات ارتباطی پدید می‌آید تا آنها را بررسی و با توجه به انواع ارتباطات فردی، میان گروهی و جمعی آنها را از هم تفکیک کنیم.

معمد نژاد:

این رسانه جدید هر سه جنبه ارتباطات را که ارتباطات میان فردی، ارتباطات میان گروهی و ارتباطات جمعی یا ارتباطات اجتماعی یا ارتباطات عمومی است دربر می‌گیرد.

دوران: به نظر می‌رسد که برای فهم بهتر کارکرد رسانه‌ای و بلاگ‌ها باید به کارکرد «پیام» برگردیم. شاید برای تقریب ذهن بتوانیم بگوئیم، کارکرد و بلاگ‌ها مانند گفتمان زندگی روزمره است که در آنها افراد هم از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و هم بر روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند. اینکه عرض کردم در واقع نیازمند تعریف اطلاع و خبر هستیم، به همین دلیل است. شما در یک رسانه‌ای پیام می‌فرستید که این رسانه یک ماهیت کاملاً عمومی دارد. مثل زندگی روزمره است و هر چیزی را در آن می‌نویسند. مثل اینکه امروز من اینجا یک چای خوردم و بعد میکروفون را خاموش کردم و بعد دوباره روشن کردم. این حرف‌ها می‌تواند نه تنها حرف‌های بسیار مهمی تلقی نشود، بلکه از دید مراکز رسمی خبری اصلاً خبر تلقی نمی‌شود و مضحکه است، ولی همین قدر که یک خواننده داشته باشند به یک خبر و اطلاع تبدیل شده است. همین قدر که دیگران هم علاقه‌مند باشند این چیزها را بدانند و خواننده علاقه‌مند باشد که باز هم به منبع انتشار آن سر بزند و مطالب جدید را بخواند به یک رسانه عمومی تبدیل شده است. به همین دلیل عرض می‌کنم یک مشابهتی با زندگی روزمره دارد. همان‌طور که سینما یا رمان به عنوان پدیده‌های رسانه‌ای عصر مدرن یک زمانی این کیفیت را داشته‌اند. ویژگی بنیادی این رسانه جدید این است که ژانرهای جدیدی از زندگی روزمره افراد کاملاً عادی را منتشر می‌نماید. منتها در گذشته این رمان‌ها را به دستگاه‌های انتشاراتی سفارش می‌دادند و آنها بر روی رمان سرمایه‌گذاری و آن را منتشر می‌کردند. حالا و بلاگ یک درجه از این جلوتر رفته است. یعنی زندگی عادی افراد توسط دیگران روایت نمی‌شود، بلکه زندگی روزمره عادی افراد توسط تک‌تک خودشان به آن نحوی که دوست دارند یا دوست ندارند روایت می‌شود، یعنی به انواع مختلف تکرار پیدا می‌کند. خوب این اسمش چیست؟ خبر است؟ رسانه است؟ می‌تواند خبر باشد، می‌تواند رسانه باشد، می‌تواند هر چیزی باشد.

کاشی‌گر: یک ضرب‌المثل انگلیسی داریم که می‌گوید: «کار اطلاعات مختص اشراف است». یعنی عوام بهتر است در آن دخالت نکنند، اما امروز رسانه‌ها همگانی شده‌اند. با دموکراتیک شدن رسانه‌ها شما

امکان اظهار نظر به افراد بیشتری می‌دهید و در نتیجه کسانی امکان اظهار نظر پیدا می‌کنند که حرف زدنشان ساده‌تر است. وقتی قرار شد اطلاعات، عمومی‌شود، طبیعی است که زبان آن باید ساده‌تر شود. آدمی که وارد وبلاگ می‌شود، لزوماً دارای تحصیلات دانشگاهی نیست. اگر خانه‌دار است با واژگان خودش حرف می‌زند اگر دانش‌آموز است با واژگان دانش‌آموزیش حرف می‌زند. واژگان شکسپیر حدود ۳۵ هزار لغت است. واژگان ویکتور هوگو چیزی حدود ۳۴ هزار لغت است. واژگان چرچیل حداکثر ۶ هزار لغت است، چرچیل هم آدم کمی نیست. واژگان ۹۰ درصد آدم‌هایی که ما در اطراف خودمان می‌بینیم کمتر از واژگان چرچیل است. در نتیجه با همه‌گیر شدن پدیده وبلاگ، بسیاری از کسانی که وارد این پدیده خواهند شد و با آن شروع به حرف زدن می‌کنند آدم‌هایی هستند که واژگان‌شان کمتر از ۶ هزار لغت است. شما نمی‌توانید از کسی که مجموع واژگانش ۶ هزار لغت است توقع داشته باشید متن‌هایی را ابداع کند که کسی ابداع می‌کند که مجموع واژگانش ۳۵ هزار، ۲۰ هزار یا ۱۵ هزار لغت است. البته تعاملات و بلاگی ممکن است این نقش را هم داشته باشد که این واژگان ۶ هزار تایی را تبدیل به ۸ هزار تایی و ۱۰ هزار تایی کند.

خلجی: لااقل وبلاگ‌هایی که من با آنها سروکار دارم و یا به هر ترتیبی به آنها مراجعه می‌کنم در نگاه اول به نظر من که کارم رسانه‌ای است این گونه به نظر می‌آید که بیشتر به جای اینکه تولید محتوا و اطلاعات داشته باشند ارجاع اطلاعات دارند. مثلاً اطلاعاتی را که در یک وبلاگ امروز می‌بینیم به فاصله ۴۸ ساعت در وبلاگ‌های مشابهی که شاید از نظر اعتبار حرفه‌ای در درجه دوم یا سوم اهمیت قرار می‌گیرند، خواهیم دید. فردی که به هر دلیلی پایبند است، ارجاع می‌دهد که آن مطلب را از کجا برداشته است، اما مواردی هم هست که ارجاع نمی‌دهند. به نظر می‌رسد کارکرد بسیاری از وبلاگ‌ها در ایران بیشتر ارجاع اطلاعات است تا تولید اطلاعات و محتوا. در بحث اخص خبررسانی آن نه بحث ارتباط، باز هم در ایران می‌بینیم که وبلاگ‌هایی که به تولید محتوای خبری اشتغال می‌ورزند بیشتر در حوزه سیاسیون هستند که به منابع خبری متصلند. نمونه‌های مکرری داریم که در ده‌ها وبلاگ این خبرها می‌چرخد خبرهایی که وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم که بیشتر به منابع رسمی وابسته هستند و یا رویدادهای اصلی منتشر شده که آنها را تبدیل به خبر و مجدداً منتشر می‌کنند. شاید خبررسانی به معنای رسانه‌ای را در کمتر وبلاگی بتوان دید. به ندرت وبلاگ‌هایی هستند که از این دایره بیرون باشند و خودشان شروع به تولید اطلاعات کنند، مانند آن چیزی که در جنگ عراق اتفاق افتاد. پس باید روی این موضوع بحث شود که آیا جایگاه رسانه‌ای برای وبلاگ قائل هستیم یا نیستیم؟



دوران:

شاید برای تقریب ذهن بتوانیم بگوییم، کارکرد وبلاگ‌ها مانند گفتمان زندگی روزمره است که در آنها افراد هم از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و هم بر روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند.

دوران: به نظر می‌رسد خبر و اطلاع تا پیش از این بنا بر تعاریفی که در متون کلاسیک تقسیم‌بندی می‌شود، بر اساس ویژگی‌هایی که درون همان ماده اطلاعاتی یا بسته خبری وجود دارد، تعریف می‌شد. به همین دلیل به موضوعات یا ویژگی‌هایی تحت با عنوان ارزش‌های خبری می‌رسیم، منتها من احساس می‌کنم با این تعبیری که از وبلاگ و فضای جدید متداول است تعریف اطلاع و خبر چرخش کرده است و مرکز ثقل آن از روی تعریف خبر به روی گیرنده خبر افتاده است؛ به عبارتی می‌توانیم بگوییم گیرنده و فرستنده. خط‌کشی و فاصله سابق بین فرستنده و گیرنده نیز تقریباً برداشته شده است. این حوزه هم بیشتر با ارتباط‌گر معرفی شده و با این اصطلاح معرفی می‌شود که به طور بالقوه هم فرستنده است و هم گیرنده. بر این اساس در واقع اطلاع و خبر به این تبدیل شده است که هر کس هر چیزی را که خودش فکر می‌کند خبر است و برای خودش جالب است، منتشر می‌کند. این از سمت فرستنده آن. از آن طرف هم همین که مطلبی یک گیرنده دارد، هر مطلبی می‌خواهد باشد و آن گیرنده راجع به آن کنج‌کاو است این هم باز خبر و اطلاع است. به طور کاملاً مشخص با حضور پرشین بلاگ می‌توان فهمید که کسانی حاضرند از این سرویس پول در بیاورند و روی آن سرمایه‌گذاری کنند و حرفشان را بزنند و عده‌ای هم پول می‌دهند که این حرف‌ها را بخرند. این یعنی یک نوع تمرکززدایی در تعریف خبر. قبلاً مجاری خبر، مجاری رسمی بودند. جاهایی که خبرهای توده‌ای بانک درست می‌کردند خبرگزاری‌ها بودند و کسان دیگری از این کلی فروش‌ها خبر



کاشی‌گر:

اینترنت یک فضای
پسامدرن است. فضای
پسامدرن تمام ویژگی‌های
فضای مدرن را از نظر
احترامی که به فردیت، به
تضارب‌آرا و به کثرت
می‌گذارد، در خود دارد. اما
دارای یک تفاوت اساسی با
فضای مدرن است و آن هم
این است که هیچ‌گونه
روایت برتری را نمی‌پذیرد.

می‌خریدند و به صورت جزیی در نشریات شان پخش می‌کردند، ولی الان باریکه‌ای باز شده است که کم‌کم عرضش زیاد می‌شود. کسانی هستند که آماتور هستند یعنی اصلاً به طور حرفه‌ای در کار خبر نیستند، ولی غالب است که تولید خبر می‌کنند و یک عده‌ای خبر می‌خرند و کم‌کم از آن ذائقه‌های خبری گذشته‌شان به این سمت تغییر می‌کند. این یعنی تمرکززدایی، مشروعیت‌زدایی و یک نوع برگشت اعتباردهی از مجاری رسمی به مجاری غیررسمی.

شهسواری: از یک زاویه دیگر هم می‌توان به قضیه نگاه کرد و آن هم تحول رسانه‌ای است. تا پیش از فراگیر شدن وب، رسانه‌های ارتباط جمعی با این مولفه تعریف می‌شدند که مخاطبان آن توده‌ها هستند و بسیاری از مباحث کلیدی رسانه‌های ارتباط جمعی حول و حوش مخاطبان آن دور می‌زد، یعنی این اصل را پذیرفته بودیم که یک رسانه، مثلاً تلویزیون، آن بالاست و مخاطبانی دارد که آن پایین هستند. منتها امروز آن قدر تعداد رسانه‌ها و از طرف دیگر، قدرت انتخاب مخاطب زیاد شده که در واقع تعریف جدیدی در حال پیدایش است. در واقع ما داریم به سمتی می‌رویم که باید از این به بعد جهت بحث مان را عوض کنیم. فرستنده‌ها یا رسانه‌ها توده شده‌اند و مخاطبان مرکزند. در جهان امروز وقتی یک اتفاق عظیمی مانند ۱۱ سپتامبر می‌افتد، شما حتی نمی‌توانید تعداد فرستنده‌ها، قرائت‌ها و تفسیرها را بشمارید و مهم‌تر از همه اینکه خود شما هم یکی از این رسانه‌ها و صاحب یکی از این قرائت‌ها و تفسیرها هستید. تعدادی از رسانه‌ها هستند که می‌گویند: این کار را خود آمریکایی‌ها کردند، می‌توانید با آنها همراهی کنید. تعداد دیگری از رسانه‌ها می‌گویند: نه، القاعده این کار را کرده شما باز می‌توانید با آنها مخالفت کنید.

کاشی‌گر: اینترنت در اوج مدرنیته به نوعی ما را به وضعیت پیش از مدرنیسم برمی‌گرداند. اگر بخواهیم یک دلیل منطقی برای این پارادوکس پیدا کنیم، توضیحش این است که ما وارد یک فضای پسامدرن شده‌ایم و اینترنت یک فضای پسامدرن است. فضای پسامدرن تمام ویژگی‌های فضای مدرن را از نظر احترامی که به فردیت، به تضارب‌آرا و به کثرت می‌گذارد، در خود دارد. اما دارای یک تفاوت اساسی با فضای مدرن است و آن هم این است که هیچ‌گونه روایت برتری را نمی‌پذیرد. یعنی پسامدرن نمی‌خواهد و اجازه نمی‌دهد تجربیاتی مثل کمونیسیم، فاشیسم و نظایر اینها تکرار شود؛ افرادی بیایند و به عنوان اینکه حقیقت مطلق نزد آنهاست جهانی را که همین طوری خیلی هم بد نیست برای ساختن بهشت، به جهنم تبدیل کنند. دنیای پسامدرن نمی‌خواهد تجربه قرن بیستم را تکرار کند.

دوران: در گذشته همیشه یک روایت مرکزی مشروع بوده است که برای ما خط‌کشی می‌کرده است. اگر بیرون از آن خط‌کشی‌ها بودیم مطرود و محکوم به مجازات بودیم. در حال حاضر تمام آن شخصیت‌ها و هویت‌های خارج از خط‌کشی در فضای دیجیتال، مجال بروز دارند. چه کسی می‌خواهد برای آنها خط‌کشی کند؟ چه کسی می‌خواهد بگوید که نباید حرف بزنی؟ پس در واقع و بلاگ توانسته بر روی آن روایت بزرگ و مرکزی که می‌خواهد سایرین را تحقیر کند و بگوید آنها حاشیه‌ای و غیر رسمی و نامشروع هستند خدشه بیندازد و به جای آن با تعداد کثیری از روایت‌ها مواجه هستیم. همه دارای داعیه و خواننده و مخاطب هستند و در نهایت به جایی می‌رسیم که اگر روایت من مشتری بیشتری دارد پس من مشروع‌م! شما می‌گویید مزخرف است، خوب بگوید! ولی من مشتری و خواننده بیشتری دارم پس روایت من درست‌تر است. چه کسی می‌خواهد بگوید این روایت پذیرفته‌ای نیست؟ این مشروعیت حتی بیرون از فضای مجازی نیز حاکمیت خود را بسط می‌دهد، روایت‌های فضای مجازی بین زندگی بیرون ما و زندگی مجازی ما در رفت‌وآمد است. یعنی، چیزی را که در جهان مجازی خلق می‌کنیم و به دنیای واقعی می‌فرستیم و یا چیزی را از جهان واقعی به عرصه مجازی می‌آوریم و آن را بسط و گسترش می‌دهیم و یا آن را سرکوب و مضحکه‌اش می‌کنیم.

شکر الهی: شما برای هر رسانه‌ای به غیر از و بلاگ باید سرمایه داشته باشید. سرمایه دست کیست؟

دست صاحبان قدرت. صاحبان سرمایه، صاحبان قدرت هستند و به قول ضرب‌المثل قدیمی ایرانی «هیچ گربه‌ای برای رضای خدا موش نمی‌گیرد.» بنابراین عموماً صاحبان سرمایه نمی‌آیند یک وسیله ارتباط جمعی را همین طوری به وجود آورند. طبیعی است که مقاصد پشت آن است. یک رسانه ارتباط جمعی سنتی مانند یک شبکه تلویزیونی، رادیو، روزنامه یا حتی کتاب از آنجا که صاحبان سرمایه آنها را به وجود می‌آورند در هر حال تحت تاثیر منافع و خواسته‌های صاحبان قدرت و سرمایه قرار می‌گیرند. البته میزان این تأثیر می‌تواند بسیار متفاوت باشد. اما یک وبلاگ از آنجا که تقریباً هیچ سرمایه‌ای برای راه‌اندازی نیاز ندارد به هیچ قدرت و سرمایه‌ای هم وابسته نیست. شما وقتی سرمایه‌ای خرج می‌کنید به ناچار بر روی اینکه از این سرمایه درست استفاده شود، تمرکز پیدا می‌کنید. بنابراین حتی مجبور خواهید شد بسیاری از خواسته‌های خودتان را با وجود اینکه صاحب آن رسانه هستید کنار بگذارید، چون چیزی به اسم سرمایه هست که نباید از بین برود. اگر شما انتقاد تندی داشته باشید ممکن است نتوانید آن را مطرح نمایید، چون فکر می‌کنید ممکن است عواقب وخیمی در انتظار سرمایه شما باشد یا ممکن است با انتشار موضوعی، شمار خوانندگان شما پایین بیاید و فردا دیگر به شما آگهی ندهند. در حالی که در وبلاگ، شما هیچ یک از این مشکلات را نخواهید داشت و می‌توانید با کمال آسودگی هر آنچه می‌خواهید مطرح کنید.



بهبهانی: هویت‌های مجازی در فضای دیجیتال از یک سو امکان تکیه بر فردیت و از سوی دیگر امکان تجربه شخصیت‌های متعدد را برای کاربران اینترنت فراهم ساخته است، اما موضوعی که کمتر بدان پرداخته شده، نقش و تاثیر تجربه هویت‌های مجازی بر شخصیت جوانان و هم‌چنین امکانی است که بررسی این هویت‌های مجازی برای تحلیل خواسته‌های نسل امروز فراهم آورده است.

شکراللهی:

یک وبلاگ از آنجا که تقریباً هیچ سرمایه‌ای برای راه‌اندازی نیاز ندارد به هیچ قدرت و سرمایه‌ای هم وابسته نیست.

دوران: دوستی دارم که وبلاگی بسیار پر بیننده دارد به اسم با مُسمای «شبح» که روزانه حدود ۵۰۰۰ بازدید کننده دارد و بازدیدکننده‌هایش هم بسیار پر حرارت بحث می‌کنند و کامنت‌های خیلی جدی می‌گذارند. اما هیچ کس نمی‌داند نویسنده این وبلاگ چه کسی است؟ شاید اگر این آدم را در دنیای واقع ببینیم باور نکنیم که این همان آدمی است که یک چنین وبلاگ جنجالی دارد. در سال‌های اخیر وبلاگ‌هایی که دختر خانم‌ها یا خانم‌ها - یعنی آن کسانی که اظهار کردند زن هستند، ما که نمی‌دانیم شاید مرد باشند! - از زندگی روزمره‌شان نوشتند بسیار با اقبال مواجه شده است. بسیاری با خواندن این وبلاگ‌ها ممکن است بگویند که چه حرف‌های مزخرفی است، ولی به هر حال این حرف‌ها خواننده دارد. حال چرا خواننده دارد و چرا نویسنده دارد؟ این نکته مهمی است و من فکر می‌کنم دلیل اصلی آن بحث «تفرّد» است. یعنی چیزی که در جامعه ما مجال بروز و ظهور ندارد، ولی در وبلاگ‌ها امکان بروز پیدا کرده است. در اینجا هر فرد مجال اظهار وجود پیدا کرده است. وگرنه پیش از این ما کجا می‌توانستیم بگویم که من چه کسی هستم یا چه هستم. اصلاً منی در کار نبود به شدت سرکوب می‌شد ولی اینجا نه تنها من می‌توانم من باشم، بلکه می‌توانم من‌های متعدد باشم و هر جایی یک شخصیتی و یک خودی بروز بدهم و مجموعه‌ای از خودها باشم. تا پیش از این می‌گفتند تکثر خودها یک نوع بیماری است، ولی در حال حاضر تکثر خودها را خیلی‌ها به عنوان یک موهبت تلقی کردند. زن‌ها می‌خواهند بدانند مرد بودن چه مزه‌ای دارد و مردها می‌خواهند بدانند زن بودن چه معنایی خواهد داشت و این لذت را باز تجربه کنند. وبلاگ با کم‌ترین خسارت این امکان را برای شما فراهم می‌کند. یعنی چون شما از گمنامی برخوردارید، هیچ واهمه‌ای هم ندارید. برای همین نمی‌ترسید که بگویند این منحرف است، فلان است، بهمان است. در حالی که در زندگی عادی هرگز چنین چیزی ممکن نیست. در وبلاگ بدون هیچ مشکلی می‌توان تک تک این عرصه‌های هویتی را تجربه کرد و feedback گرفت و از این بندبازی لذت برد. پس می‌بینیم جذابیت اصلی وبلاگ، نوعی فردگرایی است که تاکنون مجال بروز نداشته است و تفرج ناشی از غوطه ور شدن در این خودهای مجازی! همه ما دوست داریم تک تک به حساب آییم. اغلب ما نه تنها هیچ وقت فرصت نداشتیم که خودمان باشیم، بلکه حتی نتوانستیم خودمان را ابراز کنیم و از طرف مخاطبان به رسمیت شناخته شویم. اما در وبلاگ، خودمان را به

رسمیت می شناسیم دیگران هم ما را به رسمیت می شناسند.

کاشی گر: این هویت مجازی که انسان می تواند پشت آن پنهان شود و حرف دلش را بزند به نوبه خود امر بسیار مهمی است. در واقع شکل جدیدی از روابط است که تا پیش از این بی سابقه بوده است، زیرا روابط اجتماعی ما عموماً مبتنی بر ریا و محافظه کاری است. شما ممکن است از من خوشتان نیاید، اما برای اینکه دل من نشکند به من می گوید که «سلام، مشتاق دیدار» ولی در وب لزومی ندارد به من بگوید «مشتاق دیدار» می توانید بگویید «ریختت را هم نمی خواهم ببینم. خداحافظ شما». چون پشت یک ID پنهان هستید و هیچ کس شما را نمی شناسد. این امتیاز بزرگی است که به ما امکان واقعی بودن، امکان صراحت و رک گویی و خودمانی بودن را به رغم استفاده از هویت می دهد. این هم به نظر من یکی از برکات و بلاگ است.

نیلی: من به بحث خودم برمی گردم که شرایط اجتماعی امروز ایران باعث شده است که این همه مردم نسبت به پدیده و بلاگ ها اقبال نشان دهند. چه طور در کشوری که تیراژ کتاب در بهترین حالت ۵۵۰۰ نسخه است و پرفروش ترین رمان طی دو سال و نیم به ۱۵ چاپ رسیده که بیشترین تیراژ آن ۳۵۰۰ نسخه بوده است، یک وبلاگ با نقل اینکه که مثلاً امروز صبح چه کردم می توانند با این ضریب پایین نفوذ اینترنت، روزی ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ و عددهای خیلی بالاتر بازدید کننده و خواننده داشته باشد! حلقه مفقوده برای اینکه بینم چرا این اتفاق می افتد، شرایط اجتماعی امروز ایران است، یعنی فردیت هیچ جا نمی تواند به رسمیت شناخته شود و هیچ کسی نمی تواند خودش را آن گونه که هست نشان دهد و در معرض داوری قرار بگیرد. در شرایطی که هرکسی در معرض این است که خط کشی های جامعه به او بگوید که مقبول این جامعه هستی یا خیر؟ افراد ترجیح می دهند که ساختار شکنی کنند و به یک محیط مجازی که شناخته نمی شوند بروند و به ابراز خود کنند، ابراز وجودی که شاید بتوان گفت نوعی تولید محتوای فرهنگی هم هست و اثرات فرهنگی هم می گذارد.

کاشی گر: البته به من اجازه بدهید که بگویم با نتیجه گیری شما در مقایسه آمار خوانندگان کتاب و بلاگ در ایران مخالفم و فکر می کنم پربیننده ترین و بلاگ های ما هنوز تیراژ کتاب های پرفروش را ندارد. شیوه و بلاگ خوانی همان شیوه کتاب خوانی نیست. شما یک کتاب را برمی دارید و آن را از اول تا آخر می خوانید ولی ممکن است به یک وبلاگ در روز چهار بار مراجعه کنید و منتظر باشید تا ببینید مطلبی به وبلاگ اضافه شده است یا خیر. اگر خواننده ای روزانه یک صفحه از زمانی را بخواند و در نتیجه ۳۰۰ صفحه رمان را در طی ۳۰۰ روز بخواند، آیا باید آن را ۳۰۰ خواننده به حساب آورد؟ در هر حال من این شیوه مقایسه بین خوانندگان کتاب و وبلاگ را نادرست می دانم.

خلیقی: من این نظر را ندارم که شخصیت و بلاگ ها مستقیماً نشان دهنده شخصیت واقعی جامعه است. بسیاری از وبلاگ نویسان شخصیت دوم خودشان را در وبلاگ ها ارائه می دهند. خیلی ها هم هستند که آن شخصیتی را که می خواهند باشند و یا می خواهند آزمایش کنند ارائه می دهند که آیا این شخصیت می تواند شخصیت مناسبی باشد یا نه؟ برای همین با یک جامعه کاملاً مبهم و سردرگم روبه رو هستیم که نمی توان زیاد درباره آن بحث کرد. همین امر باعث می شود که این گستره ای که راجع به آن صحبت می کنیم، بزرگ و پیچیده شود. یعنی ممکن است من در وبلاگم طور دیگری باشم. ممکن است من الان انسان جدی باشم، ولی در وبلاگم آدم دیگری باشم. این در واقع از آنجا ناشی می شود که وبلاگ نویس ها می توانند ناشناس بمانند. البته بسیاری از وبلاگ نویسان مثل آقای ابطحی که شناخته شده هستند و با اسم خودشان هم می نویسند در واقع می خواهند از طبقه اجتماعی که دارند استفاده کنند تا حرفشان بیشتر تأثیرگذار باشد. یعنی آنها دیگر نمی خواهند تست کنند که این چیزی که می گویند مقبول جامعه هست یا نیست، بلکه می خواهند حرف و نظر خود را اعلام کند.

دوران:

اغلب ما نه تنها هیچ وقت فرصت نداشتیم که خودمان باشیم، بلکه حتی نتوانستیم خودمان را ابراز کنیم و از طرف مخاطبان به رسمیت شناخته شویم. اما در وبلاگ، خودمان را به رسمیت می شناسیم دیگران هم ما را به رسمیت می شناسند.

کاشی‌گر: وبلاگ‌ها آینه جامعه ما هستند. شما در وبلاگ‌های ایرانی تمام آن چیزهایی را پیدا خواهید کرد که در جامعه ایران پیدا می‌کنید. البته با یک تفاوت بسیار مهم، مسائلی که برای طرح در جامعه ایرانی مشکل ندارند در وبلاگ‌ها کمتر و مواردی که برای طرح در جامعه مشکل دارند بیشتر خواهید دید. به تعبیری دیگر، تمام مسائلی که در جامعه ایرانی و جامعه جهانی مطرح است در وبلاگ‌ها وجود دارد، اما طبیعتاً آنچه در جامعه ممنوع است چون در اینترنت فضای بازتری حاکم است گسترش بیشتری می‌یابد. به عنوان نمونه: در جامعه فرانسه چون نژادپرستی ممنوع است، وبلاگ‌های نژادپرستانه‌ای که فرانسویان ایجاد کرده‌اند بیشتر است که این یک امر طبیعی است.

هاشمی: برخلاف نظرات برخی دوستان، من اعتقاد دارم این جامعه مجازی که اسم آن را جامعه وبلاگ‌ها می‌گذاریم، جدا از جامعه واقعی نیست. زیرا به دلیل شرایط خاص جامعه مجازی امکان صراحت داشتن وجود دارد، امکان اینکه هر حرفی را بدون استرس و اضطراب و ترس بزنیم وجود دارد و بررسی مطالب ابراز شده در آن به شناخت بهتر هنجارهای جامعه کمک می‌کند. این درست نیست که ما یک سری هنجار را تعریف کنیم و بعد بگوییم اینها هنجار شکنی کرده‌اند. به عنوان نمونه، در مورد معضلات اجتماعی من هرگز ندیدم کسی در وبلاگ‌ها تریاک و هروئین و ماری جوآنا و این طور چیزها را تبلیغ کند، اما یک چیز که برایم خیلی عجیب بوده این است که ما چه قدر وبلاگ راجع به هم جنس بازی داریم که باید هر روز آنها را مسدود کنیم. حالا آیا این یک ناهنجار است یا یک هنجار پذیرفته شده در لایه‌های پنهان جامعه است که ما از آن خبر نداریم و همین طور بی‌پروا برای خود جولان می‌دهد. باید کسانی در این زمینه‌ها تحقیق و بررسی کنند و از این اطلاعات استفاده و نتیجه‌گیری کنند. چه کسی مسئول است؟ آن کسی که مسئول است باید بیاید فکر کند و از مباحث طرح شده در وبلاگ‌ها feedback بگیرد، نه اینکه فقط به فکر این باشیم که به سرعت وبلاگی را که چنین موضوعاتی در آن نوشته شده است را پاک کنیم، سرویس دهنده آن را ببندیم و از این قبیل اقدامات. یعنی من فکر می‌کنم بهترین راه برای اینکه جامعه و هنجارهای جامعه را شناخت همین کار تحلیلی قوی بر روی وبلاگ‌ها و جامعه مجازی است. بر خلاف آن کسانی که معتقدند در وبلاگ‌ها هنجار شکنی می‌شود، بنده اعتقاد دارم اینها هنجارهای پذیرفته شده‌ای هستند که ما از آنها خبر نداریم و جامعه بیرونی ماست که آن را بی‌تعارف جلوی ما گذاشتند و می‌توانیم به این آئینه نگاه کنیم و ببینیم چه چیزی در آن نشان داده می‌شود و یا اینکه آن را بشکنیم.

هاشمی:

بهترین راه برای اینکه جامعه و هنجارهای جامعه را شناخت همین کار تحلیلی قوی بر روی وبلاگ‌ها و جامعه مجازی است. بر خلاف آن کسانی که معتقدند در وبلاگ‌ها هنجار شکنی می‌شود، بنده اعتقاد دارم اینها هنجارهای پذیرفته شده‌ای هستند که ما از آنها خبر نداریم و جامعه مجازی و بلاگ‌ها در واقع، نمود جامعه بیرونی ماست که آن را بی‌تعارف جلوی ما گذاشتند و می‌توانیم به این آئینه نگاه کنیم و ببینیم چه چیزی در آن نشان داده می‌شود و یا اینکه آن را بشکنیم.

کاشی‌گر: هیچ موجود جاندار نیست که دوران کودکیش به اندازه انسان طولانی باشد. هر چه پیشرفته‌تر شویم، دوران کودکی مان هم طولانی‌تر می‌شود. در حدود ۱۰۰ سال پیش در ۱۵ سالگی باید کار می‌کردیم، اما امروز تا ۲۶ سالگی باید درس بخوانیم. پس در عرض ۱۰۰ سال، ۱۰-۱۱ سال دوران کودکی ما طولانی‌تر شده است. یکی از ابزارهای تحقق دوران کودکی بیشتر ما این است که بازی‌های جدیدتری ایجاد کنیم و محمل‌های جدیدتری برای بازی پدید آوریم؛ چون بازی یعنی تمرین آفرینش. امروزه این امکان را به تعداد بیشتری از افراد می‌دهیم که وارد بازی جدیدی شوند که بازیگران بیشتری دارد. در این بازی اگر یکبار شکست خوردند می‌توانند دوباره با شخصیت دیگری وارد شوند تا بالاخره شخصیت خودشان را پیدا کنند. تمام اینها باعث می‌شود بازیکنان بیشتری وارد این بازی شوند. به این ترتیب تعاملات و جهان‌های بیشتری شناخته می‌شود و فضای سایبر، متنوع‌تر می‌گردد. آدم‌های بیشتری حرفشان را می‌زنند و در نهایت مدت دوران کودکی مجدداً افزایش می‌یابد و ما وارد مرحله جدیدی از رشد خواهیم شد و ما همه این مسایل را مدیون امکانات وب هستیم. نوجوانی که می‌تواند در اینترنت و در وبلاگش و در چت روم هایش خودش و

خیلی چهره‌های دیگر از خودش را به نمایش درآورد و بیشتر خودش را به آزمون بگیرد، طبیعتاً از وضعیتی بهتر از وضعیت من برخوردار خواهد شد. هفته پیش دخترم به شدت غمگین بود. هنگامی که دلیل ناراحتیش را از او پرسیدم یکی از شگفت‌انگیزترین جملات زندگی ام را شنیدم. دخترم پاسخ داد: نزدیک‌ترین دوست online من، بهترین دوست off line را از دست داده است!

بهبهانی: گروهی تصور می‌کنند که وبلاگ یک ابزار است مانند امکان ارتباط بی‌سیم. اینکه چه چیزی در آن منتقل می‌شود هیچ اهمیتی ندارد، مانند صفحه وب که هر چیزی می‌تواند باشد؛ می‌تواند آرکات یا وبلاگ یا وب سایت و یا هر چیز دیگر باشد. گروهی دیگر بر این اعتقاد بودند که وبلاگ دارای تعدادی خصلت‌های اطلاع‌رسانی مخصوص خودش است و به این ترتیب از سایر ابزارهای اطلاع‌رسانی متمایز است. اینکه اشخاص متعددی بتوانند محتوا تولید کنند و این محتوا را تقریباً بدون هیچ هزینه‌ای منتشر کنند و در معرض قضاوت دیگران قرار دهند چه تأثیری در روند تولید محتوای فرهنگی خواهد داشت؟ آیا اینکه بنده شعری گفتم، مطلبی به ذهنم رسیده از یک نقد اجتماعی و سیاسی گرفته تا یک قطعه ادبی، می‌توانم آن را بلافاصله در معرض قضاوت عمومی قرار دهم و از این قضاوت‌ها مطلع شوم و در عین حال خودم هم از تمام خلاقیت‌ها و آفرینش دیگران مطلع شوم که چه تأثیری در فضای توسعه فرهنگی خواهد داشت؟ این چه قدر باعث رشد و پختگی تولید محتوا در کشور ما خواهد شد؟ آیا باعث خواهد شد که ما از کیفیت خوب تولید محتوای فرهنگی به یک نگاه سطحی برسیم و یا نه برعکس فهم جامعه را از مقوله فرهنگی عمیق‌تر و دقیق‌تر خواهد کرد؟ به عبارت دیگر ما می‌خواهیم ببینیم که نقش وبلاگ در توسعه فرهنگی چیست؟

کاشی‌گر:

وب در حقیقت در محتوای مکتوب، انقلابی ایجاد کرده است. درست همان گونه که کاغذ و چاپ، ادبیات را متحول کرده است. مهم این است که با وب، بشر یک ابزار بیانی جدید به دست آورده که امکاناتی بسیار فراتر از امکانات کاغذ را در اختیار او قرار داده است.

کاشی‌گر: انقلاب اینترنتی در درجه اول یک انقلاب مکاتباتی بود. وب در حقیقت در محتوای مکتوب، انقلابی ایجاد کرده است. درست همان گونه که کاغذ و چاپ، ادبیات را متحول کرده است. مجموع آثار ادبی که پیش از پدید آمدن چاپ رواج یافت در مجموع به صد عنوان نمی‌رسید و حداکثر چیزی حدود بیست عنوان وجود دارد که بتوان با اغماض اسم آن را رمان گذاشت. مانند دن کیشوت، سروانتس و ماجراهای دلاوران. با رواج چاپ و کاغذ، صد سال بعد، تعداد عناوین آثار ادبی از مرز میلیون گذشت و این یک اتفاق خیلی مهم است. امروزه امکانات دیجیتال همان نقشی را ایفا می‌کند که صنعت چاپ، سال‌ها پیش بازی کرد. اگر قادر بودیم حتی ۵۰ سال بعد از زمانی که کاغذ پدید آمد پیش‌بینی کنیم که در نتیجه پیدایش صنعت چاپ، ژانرهای پلیسی، سیاسی و جاسوسی در ادبیات پدید خواهد آمد، حالا هم قادریم پیش‌بینی کنیم آینده وب چیست. قطعاً اولین متن‌هایی که نوشته می‌شود نامه‌های اخباری است. هیچ کس برای بار اول داستان نمی‌نویسد و شعر نمی‌گوید. نامه، اولین شکل نوشتاری است که به صورت گزارش ثبت می‌شود. وقتی که کاغذ رواج عام یافت افراد بسیاری شروع به نوشتن خاطرات خود کردند و بعد از آن ادبیات، زاده شد. امروزه وسیله‌ای به مراتب کارآمدتر از کاغذ یعنی اینترنت روی کار آمده است. البته نمی‌توان این را حدس زد که از این امکان شاهکار ادبی پدید خواهد آمد یا فقط خاطرات دختر بچه یا پسر بچه‌ای نوشته می‌شود. مهم این است که با وب، بشر یک ابزار بیانی جدید به دست آورده که امکاناتی بسیار فراتر از امکانات کاغذ را در اختیار او قرار داده است.

شهسواری: سؤال این است که چرا نوشتن این قدر برای عامه مردم ما سخت است؟ این سختی از آن جهت است که ما نمی‌خوانیم، چون توانایی نوشتن بعد از خواندن می‌آید. اول شما باید به خواندن عادت کنید و بعد به سطحی از خواندن برسید که بتوانید بنویسید. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های وبلاگ، نزدیکی آن به رسانه مکتوب است. درست برخلاف برخی از رسانه‌های گروهی مانند تلویزیون و سینما که به میزان زیاد به ارتباط شفاهی نزدیک هستند. در واقع یکی از تأثیرات مهم وبلاگ این است که به ما کمک خواهد کرد تا رسانه مکتوب را گسترش دهیم. یعنی هم نوشتن را یاد می‌گیریم و هم خواندن را و این بسیار مهم

است و در واقع اتفاق میمون و مبارکی است. امروزه اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها از چاپ پرتیراژ هری پاتر خوشحالند. چون آنها نگرانند که قوه عاقله فرزندان آمریکایی و اروپایی با زیاد دیدن تلویزیون و زیاد رفتن به سینما کم می‌شود و خوشحالند از اینکه رسانه مکتوب این قدر تیراژ یافته است

کاشی‌گر: زبان دائماً در حال تحول است. امروزه دیگر نمی‌توانیم برخی از واژگان ادبیات ناصر خسرو را بفهمیم، زیرا بسیاری از واژه‌ها از بین رفته و منسوخ شده است. پنجاه سال پیش در زبان فارسی لغت «ویژه» یک معنا بیشتر نداشت و آن هم نام یک نوع سیگار بود! این واژه با معنای «مخصوص» ۳۵ الی ۴۰ سال است که وارد زبان فارسی شده و قبل از آن وجود نداشت. اگر شما در سال ۱۳۸۰ بخواهید متنی را که به سال ۱۲۸۰ بازمی‌گردد، مطالعه کنید باید واژه‌نامه آن زمان را در اختیار داشته باشید تا معنای عبارات آن را بفهمید. نخستین دیکسیونر زبان انگلیسی به سال ۱۶۰۸ میلادی بازمی‌گردد که به این وسیله می‌توانیم معنای لغات را نسبت به فضای آن زمان درک کنیم، اما در ایران متأسفانه چنین امکانی در اختیار نداریم. اگر شما بخواهید راجع به «بودلر» شاعر فرانسوی قرن نوزدهم تحقیق کنید، حتی آدرس سلمانی‌هایی که او می‌رفته را می‌توانید پیدا کنید، مدل برش لباس را در زمان او می‌توانید پیدا کنید، اینکه در کدام کافه به چه کسی چه چیزی را گفت، می‌توانید بفهمید، چون همه چیز ثبت شده است. اما در ایران زیاد به گذشته دور نمی‌روم، راجع به جلال آل احمد چه قدر اطلاعات مکتوب داریم. راجع به بهرام صادقی چه قدر اطلاعات مکتوب داریم که همین چند سال پیش مرد. در حالی که امروز به لطف وبلاگ‌ها، حتی وقایع روزمره تاریخ ما را جوانان، هریک در موضوع مورد علاقه خودشان، موسیقی، تئاتر، ادبیات حتی آدم‌کشی مکتوب می‌کنند و سند آن را بر جای می‌گذارند. به این ترتیب آیندگان راجع به ما مستند حرف می‌زنند. این ممکن است به نظر خیلی‌ها بی‌اهمیت باشد، اما من فکر می‌کنم این یکی از بزرگ‌ترین دست‌آوردهای پدیده وب باشد.

شکراللهی:

به یمن حضور وبلاگ‌ها
محتوای فارسی که امروزه
درو ب تولید می‌شود بسیار
بیشتر از مجموع انتشارات
کاغذی مان است که
به صورت کتاب، مجله،
روزنامه و مانند آنها منتشر
می‌گردد.

شهسواری: می‌خواهم درباره نقش فرهنگی اینترنت و تأثیرات آن بر جامعه صحبت کنم. کسی که هنوز با پدیده وب مانوس نیست، مجموع اطلاعات و داده‌هایی که به آنها نیاز دارد را می‌تواند از طریق کتاب، نشریات، کتابخانه، تلویزیون، سینما و مانند آنها به دست آورد. البته پراکندگی این منابع و گرانی آنها نسبت به آن چیزی که از طریق اینترنت در اختیار او قرار خواهد گرفت، باعث می‌شود که دسترسی او به این منابع بسیار محدود شود. در حالی که به محض ورود به دنیای مجازی اینترنت انواع و اقسام اطلاعات و داده‌های تصویری و صوتی و پیرامون شاخه‌های گوناگون علمی و مباحث انسانی و دینی به ساده‌ترین و ارزان‌ترین شکل ممکن در اختیار اوست. یک وبلاگ نویس قبل از اینکه یک وبلاگ نویس باشد یک وبگرد حرفه‌ای است و بعد وبلاگ نویس می‌شود. یک وبگرد حرفه‌ای از وقتی شروع به وب‌گردی می‌کند تا یک ماه گیج است، اما از ماه دوم به بعد کم‌کم در یک حوزه خاص جست‌وجو می‌کند و بعد تشویق می‌شود که در حوزه جست‌وجوی خود شروع به اظهار نظر کند و عادت می‌کند که برداشت‌های خودش را بنویسد و در نتیجه وبلاگ نویس می‌شود. مجموع این فعل و انفعال بعد از مدتی بر روی سواد و پیشرفت جامعه تأثیرات قابل توجهی برجای خواهد گذاشت.

کاشی‌گر: در زمانی که ما هنوز به ضرورت حفظ خرده فرهنگ‌ها، خرده ادبیات‌ها و هر آنچه سرمایه و میراث فرهنگی جامعه ما به شمار می‌رود نرسیده‌ایم، وبلاگ‌ها عملاً این امکان را به ما هدیه داده‌اند. در شرایطی که ما خودمان حس نمی‌کنیم که لازم است فرهنگ بومی مان را حفظ کنیم از برکت وبلاگ عملاً امکان حفظ میراث فرهنگی به ما هدیه شده است؛ بدون اینکه خودمان هیچ‌کاری کرده باشیم. امروز اگر کسی که نگران نابودی موسیقی بوشهر یا فلان سبک نقاشی فلان منطقه است، آنها در وب منتشر می‌کند.

شکراللهی: یکی از ویژگی‌های هویت ملی هر کشور زبان آن است و من فکر می‌کنم هر ایرانی در هر جایی که هست اگر به فکر منافع ملی است، باید به هر شکلی که می‌تواند به تولید محتوا به زبان فارسی کمک

کند. به یمن حضور وبلاگ‌ها محتوای فارسی که امروزه در وب تولید می‌شود بسیار بیشتر از مجموع انتشارات کاغذی مان است که به صورت کتاب، مجله، روزنامه و مانند آنها منتشر می‌گردد.

کاشی‌گر: بعضی از دوستان، نگران مرگ زبان فارسی در نتیجه شروع شدن کلمات و اصطلاحات انگلیسی شده‌اند، اما من معتقدم اگر چند تا کلمه انگلیسی وارد زبان فارسی شوند هیچ اتفاق خاصی نمی‌افتد. لغت‌های انگلیسی درون لغت‌های فارسی جای خواهند گرفت. همان‌گونه که کلمات عربی و کلمات ترکی به زبان فارسی آمده و هیچ اشکالی هم ندارد. بسیاری از لغات خارجی که به زبان فارسی آمده‌اند وارد ساخت زبان فارسی می‌شوند. زبان فارسی دارای توانایی‌ها و مقاومت بسیار بالایی است. من زیاد نگران آینده زبان فارسی نیستم. ولی هیچ‌کس به این توجه نمی‌کند که بسیاری از مهم‌ترین لهجه‌های ایرانی از بین رفته یا در حال از بین رفتن است. این فاجعه بسیار فجیع‌تر است. با مرگ یک زبان نه تنها یکی از گویش جهان از بین می‌رود، بلکه یکی از خرده فرهنگ‌ها که میراث و سرمایه آن بدان گویش ذخیره شده است در معرض مرگ قرار می‌گیرد.

مباشری:

این ماهیت و ذات
تکنولوژی یک اینترنت و وب
است که شما نمی‌توانید راه
کسی که آن طرف خط
نشسته است را ببینید چون
بلافاصله از راه دیگری وارد
می‌شود واقعیت آن است که
می‌توان خیلی راحت و با
ابزارهای مختلف هر نوع
فیلترینگ را دور زد.

شهسواری: گسترش وبلاگ‌ها در بحث مصادیق و محصولات فرهنگی مانند سینما و ادبیات و موسیقی یک نوع هم‌گرایی بین انرژی‌ها و پتانسیل‌های پراکنده‌ای که وجود داشته، خصوصا در قشر جوان ایجاد کرده است. اتفاقی که من فکر نمی‌کنم کسی در مبارکی و میمنت آن شکی داشته باشد. آدم‌ها با علایق مشترک، همدیگر را یافتند. این ارتباط هدفمند و خلاق منجر به تأسیس NGO ها و انجمن‌های مجازی و واقعی و قرار و مدار و جلسه گذاشتن و تولید محصولات گوناگون فرهنگی و هنری گردیده است. امروزه در رشته‌های مختلف فرهنگی و هنری این هم‌گرایی را که وبلاگستان ایجاد کرده است به وضوح مشاهده می‌کنیم.

شکراللهی: ساختار فرهنگی هر کشور مثل ساختار سیاسی یا اجتماعی آن اگر از درون نقد نشود، در معرض افول قرار می‌گیرد. یکی از آفات فضای فرهنگی کشور ما این است که تولیدکنندگان محصولات فرهنگی اعم از نویسندگان، سینماگران، نقاشان و صاحبان رشته‌های دیگر به دلیل سازوکارهای ناقص ارزیابی که در کشور ما وجود دارد، دید درستی نسبت به مخاطبان خودشان و نسبت به نیازهای مخاطبان خودشان ندارند. قبل از وبلاگستان در نهایت نگرش‌ها به یک برنامه تلویزیونی و یکی دو نقد که فقط نظر چند منتقد خاص یا موضع‌گیری چند نشریه را نشان می‌داد، ختم می‌شد. اما امروز یک سینماگر به آسانی در بجهوه اکران فیلمش با سرزدن به وبلاگ‌ها، مجموعه‌ای از نظریات را می‌خواند. به عنوان نمونه، خودم برای اولین بار در مورد فیلم «نفس عمیق» در وبلاگم نوشتم و فراخوان دادم که در نتیجه حجم عظیمی از نظریات مختلف راجع به فیلم فرستادند که کارگردانش مبهور شده بود. در واقع فضای وب و وبلاگستان این زمینه‌ای فراهم می‌کند که بتوان خیلی صادقانه و سراسر ارزیابی جامعه مخاطب را با مسئولین فرهنگی مطرح کند و در اختیار کسانی قرار داد که برایشان مهم است. فکر می‌کنم چنین فرایندی تأثیرگذار هم هست.

معمذنژاد: به طور کلی بحث از ماهیت محتوا در روزنامه‌نگاری، وجود دارد. آزادی بیان و آزادی مطبوعات و آزادی اعتراض، محدودیت‌هایی هم دارد. معمولا این وضعیت را در چهار زمینه بررسی می‌کنند. نخست محدودیت‌هایی که مربوط به نظم عمومی و استقلال کشور و تمامیت ارضی و از این قبیل است. دوم محدودیت‌هایی که مربوط به آرامش و سلامت جامعه است، اخبار یا اطلاعاتی که اطمینان عمومی را از بین می‌برد و اعتماد مردم را سلب و نگرانی ایجاد کند، مانند خبر زلزله‌ای که در هفته‌های اخیر پخش شده بود. نگرانی‌ها باعث ایجاد صف‌های طولانی در جلوی پمپ‌های بنزین خواهد شد. چراکه مردم می‌خواهند از تهران فرار کنند یا به قول معروف Panic ایجاد می‌شود و هیجان و ترس عمومی پدید می‌آید.

سومین نوع محدودیت‌ها مربوط است به اخلاق حسنه، غیرت عمومی، سنن ملی و مذهبی و از این قبیل آنچه که اعتقادات جامعه را تشکیل می‌دهد. آن چیزی که از طریق مطبوعات و رادیو و تلویزیون رعایت می‌شود، طبیعتاً از طریق اینترنت هم باید رعایت شود حالا به هر طریقی که باشد، چه جنبه شخصی داشته باشد، چون امکان انتقالش به دیگران هم هست، چه جنبه گروهی داشته باشد که باید در متونی که تهیه می‌شود و محتویاتی که آماده می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد این اصول رعایت شود. چهارمین نوع مربوط به زندگی خصوصی افراد و مسائل شخصی افراد است که باید در نظر گرفته شود. معمولاً در قالب این چهار محدودیت هست که همیشه محدودیت‌های ارتباطی و مطبوعاتی و رادیو و تلویزیون و امروزه اینترنت مشخص می‌شود.

سمیعی: سؤال دیگر این است که جهت‌گیری دولت در مقابل پدیدهٔ وبلاگ چگونه باید باشد؟ همان طوری که آقای دکتر فرمودند، دولت موظف است در چهار زمینه برای رسانه‌ها محدودیت ایجاد کند. یک زمینه نظم عمومی است. دوم آرامش و سلامت جامعه است و سوم اخلاق حسنه و عفت عمومی و چهارم حریم و زندگی خصوصی اشخاص. حالا در وبلاگ‌ها این اعمال حاکمیت به این شکل و شیوه امکان پذیر و شدنی است و اگر شدنی است تا چه حد قابل اعمال است؟ و تا چه حد پیش زمینه‌های آن در کشور ما موجود است؟



مباشری: گذشته از اینکه حاکمیت و دولت چه نگاهی به موضوع داشته باشند، مهم آنست که آئین نامه و یا قانونی تدوین شود و ضمانت اجرایی داشته باشد؛ خارج از اینکه ما خوشمان بیاید یا نه و منافع مان در خطر بیفتد یا نه. یک نکته بسیار مهم هست که سیاستمداران و بزرگان تصمیم‌گیرنده از آن مغفول مانده‌اند و آن این است که در حوزه اینترنت و ارتباطات مجازی ما فقط می‌توانیم شخصیت‌های شناخته شده را پی‌گیری کنیم. به عنوان نمونه، می‌توان بنابر تعاریفی برای فلان یا ISP فلان سرویس دهنده وبلاگ محدودیتی بگذارند که چرا شما کنترل نکردید که فلان وبلاگ نویس این مطلب را منتشر کرد. ولی خود وبلاگ نویس، آن شخص اصلی، چه بسا گمنام وارد شده و این گمنام بودن خود را حفظ کرده باشد و به هیچ وجه قابل ردگیری و پیگیری نیست.

یکی از کارشناسان و محققان معتبر فعال حوزه رسانه‌های الکترونیکی آقای «دیوید واین برگر» که کتب و مقالات منتشره متعددی در این مورد داشته است، یک مقاله بیانیه مانند مفصلی دارد که به صورت مشترک با چند تن دیگر از محققان تنظیم کرده‌اند و تحت عنوان «World of ends» یا «دنای آخرین‌ها» منتشر و به عنوان «مانیفست اینترنت» مشهور شده است. این مقاله دقیقاً بر حقوق نامحدود شخصیت‌های انتهایی که پای مانیتور خودشان نشسته‌اند و با اینترنت کار می‌کنند صحبت می‌کند و در حقیقت به طریقی آب پاکی را بر روی دست دولت‌ها می‌ریزد که شما هر چه قدر هم تلاش کنید ممکن است کانال‌هایی را ببندید ولی این ماهیت و ذات تکنولوژیک اینترنت و وب است که شما نمی‌توانید راه کسی که آن طرف خط نشسته است را ببندید چون بلافاصله از راه دیگری وارد می‌شود. فارغ از تمام بحث‌های کارشناسی و دیدگاه‌های مختلف موجود واقعیت آن است که می‌توان خیلی راحت و با ابزارهای مختلف هر نوع فیلترینگ را دور زد. در مورد استفاده از منابع موسیقایی به صورت رایگان و غیر مجاز بر خلاف منافع شرکت‌های تولیدکننده که باعث تعطیلی چندین شرکت اینترنتی در آمریکا شده، علی‌رغم تمام اقدامات باز آنها به طرق دیگر به حیات خود ادامه دادند و تعطیلی سایت‌های آنها باعث تعطیلی آن جریان نشد و به جای آن سایت‌های دیگری سردرآوردند و فعال شدند.

خلجی: موضع‌گیری‌ها در برابر فیلترینگ بسیار متفاوت است، اما هیچ‌کس را پیدا نکردیم که بگوید فیلترینگ کار خوبی است. البته متأسفانه چیزی که به نظر من مغفول مانده است مباحثات کارشناسی در مورد فیلترینگ است، که ما در گفتارها و نوشتارها چیزی از آن نمی‌بینیم. متأسفانه ما به فیلترینگ به

خلجی:

متأسفانه چیزی که به نظر من مغفول مانده است مباحثات کارشناسی در مورد فیلترینگ است، که ما در گفتارها و نوشتارها چیزی از آن نمی‌بینیم. متأسفانه ما به فیلترینگ به عنوان موضوع سیاسی نگاه می‌کنیم.

عنوان موضوع سیاسی نگاه می‌کنیم و بحث کارشناسی مغفول مانده است. باید ببینیم که آیا فیلترینگ لازم است، اگر لازم است کارشناسی آن، چه روشی را پیشنهاد می‌کند و آن چیزی که در واقع در سطح رسانه‌ای از ناحیه افراد غیر کارشناس توصیه می‌شود به بحث بگذاریم و بتوانیم از آن یک جمع‌بندی کنیم.

نیلی: علی‌رغم آنکه مطبوعات چاپی در کشورمان بیش از ۱۰۰ سال سابقه دارد و پدیده جدیدی نیست، ولی هنوز روند شخصی ندارد. امروز یک نویسنده که در روزنامه‌ای کار کرده بدون اینکه محکومیت داشته باشد، اگر روزنامه بسته شود دیگر نمی‌تواند در روزنامه دیگری بنویسد. شما یادتان هست سال ۷۸ یک نشریه دانشجویی با ۲۰۰ نسخه شمارگان، دو هفته بحران در کشور ایجاد کرد. حالا پدیده و بلاگ که هنوز سه سال از عمرش در ایران نگذشته این همه تعابیر در مورد آن به کار رفته که ابزار شیطان است، برای ایجاد فساد و فحشا در جامعه آمده و از طرف دیگر این همه فراگیر شده، تکلیفش معلوم است.

معمد نژاد: در سطح جهانی ۳۶۰ سال است که اجازه قبلی برای انتشار مطبوعات لازم نیست. این نگاهی که ما در جامعه به مطبوعات داریم دیگر کهنه شده و امروز در بسیاری از کشورهای دنیا مثل ژاپن و آمریکا اصلاً هیچ نیازی به ثبت نشریه نیست. هر کس می‌تواند روزنامه منتشر کند و بعد از انتشار هم خودش مسئولیت آن را می‌پذیرد. بنابراین با این نگاه، رسانه‌ای مثل مطبوعات نیاز به مجوز ندارد. اگر در محتوای آن چیزی باشد که با محدودیت‌های ارتباطی و آزادی بیان برخورد داشته باشد و انتشار صورت گرفته باشد، قابل تعقیب است و اگر انتشار هم اتفاق نیفتاده باشد هیچ لطمه‌ای به جامعه وارد نمی‌کند. ما باید دیدگاه‌هایمان را در این زمینه عوض کنیم.



خلیقی:

نگرانی که در حال حاضر وجود دارد، موضوع نگاه حقوقی به بلاگ است. گروهی می‌خواهند مسئولیتی که روزنامه‌ها یا مجلات به عنوان یک شخصیت حقوقی دارند و مجلات به عنوان یک شخصیت حقوقی دارند و باید پاسخگوی مطالب منتشر شده باشد نسبت به سرویس‌دهندگان و بلاگ نیز تعمیم دهند.

خلیقی: نگرانی که در حال حاضر وجود دارد، موضوع نگاه حقوقی به بلاگ است. گروهی می‌خواهند مسئولیتی که روزنامه‌ها یا مجلات به عنوان یک شخصیت حقوقی دارند و باید پاسخگوی مطالب منتشر شده باشد نسبت به سرویس‌دهندگان و بلاگ نیز تعمیم دهند. من می‌خواهم بدانم که اصلاً با توجه به گستردگی مخاطب که وجود دارد و تعاریفی که از بلاگ ارائه دادیم، آیا می‌توان آن تعریف موجود را که درباره نشریات چاپی وجود دارد به این رسانه منتقل کرد؟

معمد نژاد: مطبوعات از آغاز قبل از انتشار محدود بوده‌اند و بعدها محدودیت پیش از انتشار از بین رفته و مسئولیت پس از انتشار، جای آن را گرفته است. اما در مورد بلاگ به سبب خصوصیتی که گفته شد اصولاً قبل از انتشار نمی‌توان آن را کنترل کرد. اگر پیام‌ها و گزارش‌هایی که تهیه می‌شود و اطلاعاتی که جمع‌آوری و به جامعه داده می‌شود به میزانی مورد استقبال قرار بگیرد که بتوان اسم آن را انتشار (Publication) گذاشت، یعنی از لحاظ عمومی مسئله‌ای بسیار مهم است. انتشار وقتی معنا پیدا می‌کند که عده زیادی از آن پیام استفاده کنند به همین جهت اگر ما در یک جمع دوستانه با هم صحبت کنیم، این صحبت، انتشار به حساب نمی‌آید و قابل تعقیب قضایی از این باب نیست. زمانی که بلاگ‌ها مانند روزنامه و برنامه شبکه رادیو و تلویزیون به عنوان منبع اطلاعاتی مورد استفاده واقع می‌شوند، انتشار صورت گرفته است. اینجاست که مسئولیت حقوقی مطرح می‌شود. این مسئله بسیار مهم است، اگر چنانچه مخاطب را جامعه و یا گروه‌های زیادی در جامعه در نظر بگیریم این پیام انتشار می‌یابد، اما اگر مخاطبان کم باشند، در واقع انتشار صورت نمی‌گیرد. اگر وارد فلسفه و نظریات شویم می‌توانیم بگوییم که پیام‌های بلاگ در جامعه تأثیر بر جای می‌گذارد، ارتباط شخصی و ارتباطات گروهی را افزایش می‌دهد و در ایجاد تفاهم تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب چه انتشار عمومی صورت بگیرد و چه انتشار شخصی و گروهی باشد در جامعه اثر می‌گذارد و در جوامعی که درباره رسانه‌های سنتی محدودیت‌هایی وجود داشته است، طبیعتاً این رسانه جدید می‌تواند مؤثرتر باشد. به همین سبب باید ابتدا ماهیت آن را بررسی کرد و درباره آینده آن هم تحقیق و مطالعه انجام داد و بر مبنای مطالعات و تحقیقات اجتماعی تصمیم‌گیری نمود.

سمیعی: در دنیای غیر دیجیتال انتشار را شاید بتوان راحت‌تر تعریف کرد، ولی در وبلاگ این تعریف مشکل‌تر می‌شود. اگر پیام، بازدیدکننده نداشته باشد، به طور قطع منتشر نشده ولی اگر بازدیدکننده داشته باشد بالاخره به نحوی منتشر شده و مخاطب آن ممکن است افراد خاصی هم نباشند، مردم باشند یا گروه خاصی از مردم باشند به این ترتیب پراکندگی مخاطبان، گونه‌های بسیار متفاوتی دارد و تعریف انتشار در این حالت بسیار مبهم است. فکر می‌کنید این ابهام را چگونه می‌توان برطرف کرد؟

معمد نژاد: این ابهام را تجربه برطرف خواهد کرد. در مورد مطبوعات هم اگر بپرسیم نشریه‌ای که در داخل یک مؤسسه برای ۲۰ نفر از کارمندان منتشر می‌شود، انتشار هست یا نیست؟ بنده رأی می‌دهم انتشار نیست. بنابراین باید تجربه ادامه یابد و مصادیق متعددی پیش آید و طبق بررسی‌های علمی و اجتماعی بتوان به نتایجی رسید.

خلیقی: اگر این چیزی که منتشر شده در فضای وب قابلیت ویرایش داشته باشد باید چگونه استناد کنیم؟ وقتی مطلبی در روزنامه چاپ می‌شود دیگر نمی‌توان آن را تغییر داد ولی در وب این ابزار وجود دارد که هر لحظه هر تغییری ایجاد شود. به این موضوع چگونه می‌توان نگاه کرد؟ در وبلاگ هرگاه نظر شخص نویسنده عوض شود یادداشتش را هم می‌تواند عوض کند، ولی در نشریات چاپی ما چنین چیزی نداریم، که نوشته‌ای برگشت پذیر باشد.

معمد نژاد: باید نمونه‌هایی که پیش می‌آید بررسی شود و بنا بر بررسی‌هایی که می‌شود می‌توان نظر داد، اما اجمالاً من فکر می‌کنم آن کسی که مسئولیت وبلاگ را بر عهده دارد باید پاسخگو باشد.

هاشمی: در وبلاگ‌ها ما نمی‌توانیم مشخص کنیم که هر مطلب کی و تحت چه قالبی منتشر می‌شود، فردی است یا گروهی، چون به راحتی این قالب می‌تواند عوض شود. مواردی داشتیم که یک وبلاگ ۲۰ الی ۳۰ بازدیدکننده داشته است، اما یک‌دفعه CNN یا رویتر به آن لینک می‌دهند. این لینک یک اثر رسانه‌ای بسیار بالا دارد و به ناگهان تعداد بازدیدکنندگان آن وبلاگ به طرز چشمگیری افزایش می‌یابد به حدی که ماهیت آن وبلاگ را عوض می‌کند. جناب آقای ابطحی در وب سایتشان یک بخش وبلاگی دارند که نوشته‌های مختلفشان را آنجا می‌نویسند و تأکیدشان بر این است که من فارغ از جایگاه اصلی سیاسی خودم این مطالب را می‌گویم، اما مطالب این وبلاگ در روزنامه جام‌جم، این طرف آن طرف، آسوشیتدپرس و رسانه‌های خارجی منعکس می‌شود و قالب رسانه‌ای این وبلاگ، عوض می‌شود. با تعریف جناب آقای دکتر معمَد نژاد در واقع اثر بیشتری پیدا می‌کند و تعداد زیادی متوجه آن می‌شوند.

معمد نژاد: اول این مسئله پیش می‌آید که آیا این انتشار هست یا نیست. این مسئله باید حل شود. اگر ۲۰، ۳۰، ۱۰۰ نفر یا ۲۰۰ نفر از آن استفاده کرده باشند انتشار اصلاً صورت گرفته یا نه؟

خلیقی: فکر نمی‌کنم هیچ یک از پربیننده‌ترین وبلاگ‌های فارسی در روز بیشتر از ۱۰۰۰۰ نفر بازدیدکننده داشته باشد. چنین وبلاگ‌های فارسی یکی یا دو تا بیشتر نیستند و بازدیدکنندگان اغلب وبلاگ‌های بسیار مطرح در روز شاید ۴۰۰ یا ۵۰۰ نفر باشند.

مباشری: مقوله انتشار که مطرح شد، واقعاً برای خود من هم محل سؤال است، در صحبت‌های جناب آقای دکتر معمَد نژاد مطرح شد که نشریه یک سازمان، مشمول امر انتشار نیست، در محیط الکترونیکی هم می‌توان چنین بحثی داشته باشیم من در رایانه خودم می‌توانم فایل‌های داشته باشم که تمام دوستانم را

معمد نژاد:
برای اینکه برای آینده
برنامه‌ریزی صحیحی
انجام دهیم باید به پژوهش
توجه کنیم. مسائل مربوط
به ارتباطات جدید مانند
همین موضوع وبلاگ از
مسائل مهم مملکتی،
منطقه‌ای و جهانی است و
به همین جهت باید
تحقیقات وسیعی در این
موارد انجام دهیم باید بر
مبنای تحقیقات، قانون
گذاشت نه بر مبنای سلاطین
فردی.

دعوت به خواندن آن کنم، تا محتوای اطلاعاتی آن بر خوردار شوند، اما طبیعتاً چون در یک محیط خصوصی است مشمول انتشار نیست، همین طور در شبکه های خصوصی نیز می توانم همین کار را انجام دهم. اما در وبلاگ ها آن لحظه ای که ما کلید Publish را می زنیم و وارد یک صحن عمومی و علنی به وسعت جهان می شویم، فارغ از این که کسی آن را بخواند یا نخواند، درست مانند مجله ای است که در شکل کاغذی خود از زیر چاپ در می آید و به اداره توزیع هم سپرده می شود حالا اگر خوانده شود یا نشود، فروش برود یا نه، مشمول امر انتشار شده است. وبلاگ هم چنین است. حالا چه یک نفر بازدیدکننده (visitor) هم نداشته باشد چه ده ها هزار نفر آن را بخوانند. در یک صحنه علنی و عمومی به وسعت جهان قابل دسترس است. حالا چه به اتفاق و چه به صورت هدایت شده بعضی ها به سراغ آن بیایند، یا نیایند.

هاشمی: بار حقوقی هر کدام از این مباحث بسیار زیاد است و برای ما این نگاه نسبت به وبلاگ و نشریه الکترونیکی و سرویس دهندگان وبلاگ بسیار اهمیت دارد. من باید تکلیفم را بدانم که باید مجوز بگیرم که می خواهم به عنوان سرویس دهنده، پرشین بلاگ را راه اندازی کنم؛ اگر فردا یک نفر وبلاگ نویس حرف بی ربطی زد و اصلاً یک جرمی مرتکب شد در حالی که خود این جرم اصلاً تعریف نشده من باید به عنوان رئیس یا دبیر اینجا یا به عنوان کسی که مجوز دایر کردن اینجا را گرفته است، پاسخگو باشم و یا آن شخص وبلاگ نویس که فقط یک ماهیت مجازی است؟ آیا ما به یک ماهیت اجازه می دهیم که حرف بزند و یا اینکه می خواهیم صورت مسئله اش را پاک کنیم؟ اینها مواردی است که بسیار اهمیت دارد.

سمیعی: آقای دکتر معتمدنژاد قبل از اینکه متخصص ارتباطات باشند صاحب نظر و متخصص حقوق هستند، اما حقوق همیشه متأخر از شکل گیری های اجتماعی است. بنابراین موضوعات باید ابتدا شکل بگیرند و بعد ببینیم که چگونه با آنها برخورد می شود حالا چه در سطح جهانی و چه در یک جامعه خاص، ابتدا باید دید که اینها واقعا چه چیزی تلقی شده اند. یعنی اینکه آیا واقعا ۱۰۰۰ بازدید کننده در روز، انتشار هست یا نیست و چگونه می توان با آن برخورد کرد؟ بعد از شکل گیری و تعریف موضوع، رویه و متون قانونی لازم شکل خواهد گرفت.

معتمدنژاد: از صحبت های دوستان گرامی خیلی استفاده کردم. آنها دارای تجربیاتی هستند که من آن تجربیات را ندارم و بیشتر بر روی نظریه ها کار می کنم و بررسی های من کلی است. به هر جهت وبلاگ یک پدیده مثبت است و نمی توان این امر را منکر شد و به همین جهت جزیی از جنبه های جامعه اطلاعاتی آینده و یکی از مسائل مهم ارتباطی آینده خواهد بود. در سال های آینده هر کشور و هر جامعه ای، جامعه اطلاعاتی متناسب با شرایط فرهنگی، تاریخی خودش خواهد داشت، بنابراین ما هم مثل سایر کشورها ناچاریم بعد از امضای اعلامیه اجلاس جهانی ژنو آنچه را که در آنجا پیش بینی کردند، اجرا کنیم. برنامه ای که ما سال ها دنبال می کنیم و درباره آن به نتیجه نمی رسیم، برنامه پژوهشی آینده نگری ارتباطی ایران است. برای اینکه برای آینده برنامه ریزی صحیحی انجام دهیم باید به پژوهش توجه کنیم. مسائل مربوط به ارتباطات جدید مانند همین موضوع وبلاگ از مسائل مهم مملکتی، منطقه ای و جهانی است و به همین جهت باید تحقیقات وسیعی در این موارد انجام دهیم. باز هم صحبتیم را یادآوری می کنم که قبلاً هم عرض کردم، ما از مطبوعات استبدادی شروع کردیم و سایر وسایل ارتباط جمعی دیگر را هم در شرایط محدودیت های دولتی نگه داشتیم، اکنون که دنیا به سوی جامع اطلاعاتی Information Society یا جامعه معرفتی Knowledge Society می رود چه قدر می توان اشتباهات گذشته را ادامه داد؟ باید بر مبنای تحقیقات قانون، گذاشت نه بر مبنای سلیق فردی دنیای امروز را باید شناخت و بررسی تطبیقی انجام داد، اگر تحقیق علمی انجام دهیم و واقعیات را در نظر بگیریم و تحقیقات مقایسه ای انجام دهیم، می توانیم سیاست گذاری های خوبی هم داشته باشیم و بر اساس سیاست گذاری های منطبق با شبکه امروزی دنیا، می توانیم برنامه ریزی و قانون گذاری کنیم تا آینده بهتری داشته باشیم.

سمیعی:
حقوق همیشه متأخر از
شکل گیری های اجتماعی
است. بنابراین موضوعات
باید ابتدا شکل بگیرند و
بعد ببینیم که چگونه با آنها
برخورد می شود حالا چه در
سطح جهانی و چه در یک
جامعه خاص، بعد از
شکل گیری و تعریف
موضوع، رویه و متون
قانونی لازم شکل خواهد
گرفت.